



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

۹۸

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۲۹ آوریل ۲۰۰۹ - ۹ اردیبهشت ۱۳۸۸

اطلاعیه حزب بمناسبت اول مه،

مرگ بر سرمایه داری، جهانی آزاد و کمونیستی باید ساخت!



پیام حزب اتحاد کمونیسم کارگری

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

صفحه ۴

اتحادیه کارگری آمریکا خواهان آزادی کارگران زندانی و
برسमित شناخته شدن حقوق کارگری در ایران شدند!

فراخوان کارگران در سنندج و تهران به تجمع و
راهپیمائی در اول مه
صفحه ۵



هیئت دائر پاسخ میدهد؛
عذر بدتر از گناه

صفحه ۶

آذر ماجدی



کرکسها و گفتارها،
بد و بدترهای اسلام سیاسی!

صفحه ۹

سعید مدانلو

* اعتصاب یا خانه نشین کردن معلمان؟

* سه رکن سیاست میرحسین موسوی

صفحه ۱۱ و ۱۳

علی جوادی

در صفحات دیگر؛ بحران در فولاد مبارکه، سایبای پرس و دستمزدهای پرداخت نشده،
کشتارگاه تهران و کشمکش برسر کار و بیکاری، پخش اطلاعیه حزب در کرج، اخراج
به بهانه "افزایش دستمزد"، پیشروی معلمان در گرو چیست؟، اعتراض در مالمو و ...



یادداشت سردبیر،

سیاوش دانشور

نبرد اول مه

اول مه امسال ویژه است. نه فقط برای طبقه کارگر که
بیش از یک قرن است این سنت بین المللی سوسیالیستی
را عزیز میدارد، بلکه برای طبقه بورژوازی که بحران
سراپای وجود انگلی اش را فرا گرفته است. اول مه در
طول تاریخ تائونی اش نقطه تلاقی تناسب قوای طبقاتی
متفاوتی بوده است. طبقه ما سالهای تاریک بعد از
فروپاشی دیوار برلین را هنوز فراموش نکرده است.
ابعاد و ویژگیهای این سالها که با زهرخند و طعنه
روشنفکران بورژوا، ژورنالیستها، مذهب جدید نظم
نوینی و بازار آزاد، و تازه دمکراتهای پست مدرنیست
تداعی میشد هنوز در اذهان زنده اند. روزهایی که چماق
ضد سوسیالیستی را تلاش داشتند دست هر خواننده ام تی
وی هم بدهند تا "حقانیت" نظام منحوس متکی بر بردگی
و "پایان تاریخ" و "پایان کمونیسم" را به طبقه ما
بفروشند. زمانی که لنین را "دیوانه و دیکتاتور" و
مارکس را "کهنه و منسوخ" و هر تازه بدوران رسیده و
قلم به مزد سرمایه را "روشنفکران دوران جدید" معرفی
میکردند! دورانی که طیف زیادی از شبه سوسیالیستها
در مقابل تاجر و ریگان زانو زدند و به صف
فالانژیستهای نظم سرمایه پیوستند.

این دوران تاریک و قدر قدرتی سرمایه که کارگر در
انزوایش دندان قروچه میکرد و خود را ناتوان میدید
مدتهاست گذشته است. دوره امروز حتی دوره برگشت و
کمر راست کردن نیست، دوره تعرض مجدد وسیع
کارگر و کمونیسم به نظام سراپا منحن و برده داری
سرمایه داری است. دورانی است که مارکس به خیل
اپورتونیست ها و نان به نرخ روز خورها و پادوهای
سیاسی سرمایه پوزخند میزند. دوره ای است که کارگر
مجددا باید تر و تمیز و با پرچم آبا و

صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نبرد اول مه ...

اجدای اش، پرچم سرخ انترناسیونالیستی کارگری، به مراسم اول مه بیاید و فریاد بزند سرمایه داری باید سرنگون شود. با اعتماد بنفس اعلام کند که دنیائی انسانی و آزاد و عاری از استثمار و مالکیت خصوصی و طبقات و مزدبگیری ممکن است. دوره ای است که باید جنبش کمونیستی کارگران با پرچم مارکسیسم سرمایه داری را به محاکمه بکشد و آلترناتیو خود را در مقابل جامعه بشری قرار دهد.

نبرد اول مه در طول تاریخ نبردی برسر تغییر فوری زندگی طبقه کارگر و شکل دادن به آینده بشریت بوده است. در اول مه عصاره جنگ بیوقفه طبقاتی همواره خود را بیان کرده است. این نبرد همواره از محدودیت های مبارزه طبقه کارگر، از سلطه افکار و منافع غیر کارگری، از فقدان ابزارهای واقعی سیاسی این جدال، و از تعرض بیوقفه سرمایه رنج برده است. خیلی جاها سرکوب و به سازش و تمکین کشیده شده و بسیاری جاها شرافت تاریخی طبقه کارگر و مبارزه سوسیالیستی را نمایندگی کرده است. اول مه امسال بر دوش این تاریخ طولانی و افت و خیزهای جدال طبقاتی برگزار میشود. اول مه امسال بر متن بحران نفس گیر و حاد سرمایه داری، فلاکت میلیاردی و بیکاری نجومی، و آینده تاریک تری که سرمایه داری مقابل بشریت گذاشته است برگزار میشود.

اول مه امسال در فرانسه و یونان و ترکیه و ایران و کره و بسیاری جاهای دیگر ویژه است. اول مه تنها یک جشن کارگری نیست، بلکه و اساسا روز اعلام پلانتفرم سیاسی و عزم طبقه کارگر برای سال آتی است. در اینروز رئوس سیاست کارگری در مقابل دنیای بورژوائی اعلام میشود. در

میکند. در اول مه امسال باید طبقه کارگر جهانی تنی واحد باشد و هدفی واحد یعنی سرمایه داری را مورد تعرض قرار دهد. جنبش ضد کاپیتالیستی طبقه کارگر باید در اینروز خود را در چشم بورژوازی در همه جای دنیا بکند. باید در اینروز پای اعلام سلب از سرمایه داری رفت و بر ضرورت و مبرمیت و امکانپذیری راه حل سوسیالیستی و کمونیستی کارگران تاکید کرد. در اینروز کارگران باید به کل جامعه اعلام کنند که راه نجات در دست آنهاست. در اینروز باید روی دوش تجارب نسلهای متمادی

جدال طبقاتی بر حقانیت کمونیسم و راه حل کارگری آزادی جامعه تاکید کرد و علیه معیارها و شعارها و اصول "لابتغیر" و افسانه "انلی و ایدی" بودن سرمایه شورید. در اول مه باید بی اعتباری جهانی سرمایه داری را به بسیج نیرو برای نفی این نظام منحط تبدیل کرد. اول مه امسال سنگر نبرد علیه کل موجودیت سرمایه داری است.

اول مه، بر طبقه کارگر و جنبش بین الملل کمونیستی کارگران مبارک باد.*

زنده باد اول مه!

در اول مه، در مقابل مذهب و ناسیونالیسم و سرمایه، پرچم انترناسیونالیسم کارگری را برافرازیم و به جامعه اعلام کنیم؛

اگر دنیا دست ما باشد؛ کودکی از گرسنگی و بی دارونی تلف نخواهد شد! اگر دنیا دست ما باشد؛ تبعیض و استثمار را الغا میکنیم! اگر دنیا دست ما باشد؛ ملت و نژاد و مذهب بشریت را قصابی نخواهند کرد. همه شهروندان محترم و برابر جامعه اند! اگر دنیا دست ما باشد؛ زندانها و سلاحها و شکنجه گاهها را نابود خواهیم کرد. بجای سرکوب و انقیاد سیاسی و اقتصادی، شرایط مادی شکوفانی فرد و جامعه را تامین خواهیم کرد! اگر دنیا دست ما باشد؛ جامعه اردوی کار اجباری برای تامین سود سرمایه نخواهد بود بلکه کار آگاهانه و نقشه مند برای رفع نیازهای همگان را سازمان خواهیم داد! اگر دنیا دست ما باشد؛ ژنرالها و سرکوبگران و خیل آخوندها و کاردینال ها و خاخام ها و واعظین بردگی بشر را مرخص خواهیم کرد. بجای تولید جهالت و سم در جامعه علم و پیشرفت انسان را هدف قرار خواهیم داد! اگر دنیا دست ما باشد؛ آن را زیر و رو خواهیم کرد!

کمونیسم جنبش واقعی و عینی کارگران و جنبشی برای تغییر رادیکال و ریشه ای جهان است. در اول مه باید به تغییر و مبرمیت آن فراخوان دهیم و صف خود را در هرگوشه جهان با زمزمه سرود انترناسیونال به صف کارگران جهان گره زنیم!

در اول مه باید از حرمت بشریت اعاده حیثیت کنیم و بورژوازی و نظامش را به محاکمه بکشیم! در اول مه با پرچم آزادی و رفاه جامعه به میدان بیاییم!

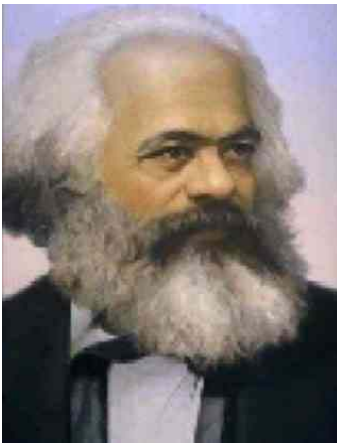
اینروز کارگران مقدسات این نظام اعم از "وطن" و "میهن" و ناسیونالیسم را نفی میکنند و بر هویت انترناسیونالیستی و انسانی و طبقاتی خود تاکید میگذارند. در اینروز کارگران مرزهای بازار داخلی و حیات خلوت استثمار بورژواها و آئین و ایدئولوژی آنها را پشت سر میگذارند و بر راه حل کارگری برای آزادی جامعه از هر نوع سلطه و انقیاد سیاسی و اقتصادی تاکید میکنند. اول مه امسال ویژه است و مارکس در صدر هر مجلس واقعا کارگری قرار دارد. در اول مه امسال جلوه های انقلابیگری کارگری خودنمایی خواهد کرد. اینبار نوبت روشنفکران ناقص العقل و نان خورهای بورژواها و دولتها و دستگاههای ترور و ارباب تبلیغاتی شان است که دندان قروچه کنند. تردیدی نیست که شرایط مساعد دنیای امروز برای جنبش سوسیالیستی کارگران بلافاصله به پیروزی و پیشروی کارگری ترجمه نمیشود. تردیدی نیست که امسال بیش از هر سال بورژواها اوباش سرکوبگر و نیروهای ضد شورش شان را آماده کرده اند. تردیدی نیست بورژوازی در جنگ با طبقه کارگر سر سوزنی توهم ندارد. همه اینها فرض طبقه ماست. اما نبرد اول مه امسال میتواند سر منشا دوره ای از تحولات سیاسی و پیشروی کمونیسم کارگری باشد. روزی که طبقه ما بر الزامات پیشروی مبارزه طبقاتی نور بیاندازد و خود را از توهمات ناسیونالیستی و دولتگرایی و دمکراسی بتکاند. اول مه امسال نبرد تاریخی روز جهانی کارگر را برجسته میکند.

سرمایه داری نظامی گنبدیده است و جامعه بشری را در معرض تهدیدات جدی قرار داده است. اگرچه جبهه های نبرد طبقاتی هنوز کشوری و بعضا منطقه ای اند اما مسائل و معضلات امروز جهانی اند و سیاست و استراتژی کمابیش واحدی را از جنبش طبقه ما طلب

اطلاعیه حزب بمناسبت اول مه،

مرگ بر سرمایه داری،

جهانی آزاد و کمونیستی باید ساخت!



هستند. مبارزه ما از تلاش برای بهبود روزمره زندگی طبقه کارگر و تعطیل نشدن مراکز کار تا سیاست کنترل کارگری و کسب قدرت سیاسی یک مبارزه واحد است.

کارگران، همزمان!

این نظام شایسته ما و بشر امروز نیست. این نظام بدون جنایت و سبیت و فقر و تبعیض و نابرابری نمیتواند سرپا بماند. دنیای امروز بیش از هر زمان به راه حل کمونیستی و انقلاب کارگری نیازمند است. سازمانهای متناسب با این هدف را باید ایجاد کرد. احزاب کمونیستی کارگری را باید ساخت که سوسیالیسم و حکومت کارگری را بعنوان یک راه حل در مقابل کل جامعه بگذارند.

کارگران جهان متحد شوید! در اول مه، دست در دست هم و با غریبی که خشت خشت کاکهای قدرت بورژوازی را بلرزاند، بمیدان آیم و فریاد بزنیم؛ مرگ بر سرمایه داری! دنیایی بهتر باید ساخت! جهانی آزاد و برابر و مرفه، یک جامعه آزاد کمونیستی!

زنده باد اول مه!

زنده باد انقلاب کارگری!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۱ مارس ۲۰۰۹ - ۱۱ فروردین ۱۳۸۸

با صدای بلند اعلام کند که دیگر این وضعیت را نمی پذیرد!

طبقه ما باید برای این جنگ سازمان یابد و بمیدان بیاید. بدون شکل توده ای و حزبی، بدون راه حل اجتماعی و سیاسی، و بدون وحدت وسیع طبقاتی پیروزی غیر ممکن است. این دوره ای است که بازگشت به سنتهای جنبش عمل مستقیم و شورائی کارگران یک ضرورت حیاتی است. تاکنون نیز طبقه ما الگوهای از سنگربندی رادیکال کارگری را بدست داده است. طبقه کارگر بدون سنت رادیکال مبارزاتی و بدون ظاهر شدن بعنوان پرچمدار آزادی جامعه در قالب یک حزب سیاسی کمونیستی کارگری نمیتواند این وضعیت را بطور بنیادی تغییر دهد. طبقه ما باید علیه فقر و فلاکت و کلیت سرمایه با پرچم کمونیستی کارگری بمیدان بیاید. مبارزه طبقه ما در هر کشور، گوشه ای از استراتژی بین المللی سوسیالیستی کارگران علیه سرمایه داری است. بدون تبدیل شدن جنبش سوسیالیستی طبقه ما به یک آلترناتیو سیاسی اجتماعی و مطلوب و ممکن، در این جنگ ما پیروز نمیشویم. باید برای پیروزی وارد جدال شد. باید در اول مه شعار "مرگ بر سرمایه داری" و "دنیایی بهتر باید ساخت" همه جا طنین افکند. همزمان باید سازمانهای توده ای و رادیکال و شورائی کارگران را تحکیم کنیم و بعنوان ابزارهای جدال برسر آزادی و رفاه بکار گیریم. کارگران همه جا خواهان لغو کار قراردادی، افزایش دستمزدها براساس تامین یک زندگی انسانی و مقدر، کار یا بیمه بیکاری مکفی، حق بی قید و شرط تشکل و اعتصاب، و تغییر فوری زندگی طبقه کارگر و مردم محروم

میدهد. امروز بیش از هر زمان هویت انترناسیونالیستی کارگری و پرچم کمونیستی آزادی جامعه به نیاز مبرم طبقه کارگر تبدیل شده است. رویدادهای فرانسه و یونان و ایتالیا و آلمان تنها پیش درآمد نبردهای سهمگین طبقاتی دوران جدید اند.

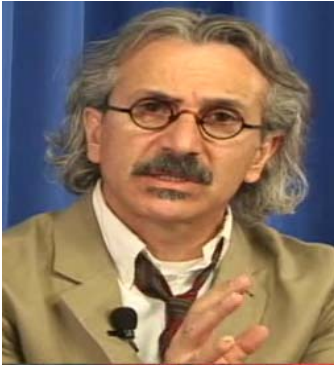
کارگران!

طبقه ما باید آلترناتیو سیاسی خود را در مقابل این وضعیت بگذارد. ادامه نظام بردگی نمیتواند خواست ما باشد. افسار زدن محدود به سرمایه داران و بانکداران مفت خور و سیاست ارتجاعی "فداکاری ملی" برای کار بیشتر نمیتواند سیاست طبقه کارگر باشد. ناسیونالیسم و فاشیسم و تفرقه در اردوی طبقه کارگر سلاح کثیف بورژوازی علیه طبقه ماست. ما تاکنون اعلام کرده ایم که تامین هزینه بحران از جیب و زندگی ما موقوف! بجای جایزه به سرمایه داران باید دستمزدها افزایش یابد! بیمه ها و خدمات اجتماعی گسترش یابد! رفاه و آزادی حق همگان باشد! کارگران در مقابل تبلیغات ناسیونالیستی و ضد کارگری، پرچم انترناسیونالیسم کارگری و هویت جهانی و منفعت واحد طبقاتی را در مقابل نظام سرمایه داری برمیافرازند. اما نظام بردگی مزدی و استثمار سرمایه داری با هر درجه بهبود هنوز مبتنی بر بردگی مزدی است. نظام بردگی را باید برانداخت و این کار جنبش بردگان مزدی است! اول مه روز صاحبان واقعی جهان است، روز بشریتی است که جهان بدون کار او نمیتواند سرپا بماند. روزی است که اسپارتاکوس های این جنبش، رهبران کمونیست و سوسیالیست کارگران، اعلام میکنند که برای رهایی جامعه راهی جز انقلاب کارگری علیه سرمایه داری وجود ندارد! طبقه ما در روز اول مه باید

سرمایه داری بشریت را در آستانه نابودی قرار داده است. در جهانی که مالا مال ثروت است، بیش از یک میلیارد نفر گرسنه اند. ۳۰٪ جمعیت کارکن جهان در سال گذشته بیکار بودند و بحران عمیق اقتصادی با سرعتی باور نکردنی ارتش عظیم بیکاری را گسترده تر میکند. پیامدها و پس لرزه های عمیق ترین بحران اقتصادی جهانی هنوز در راه است. سونامی فقر و فلاکت و گرسنگی جوامع بشری را تهدید میکند. عالیجنابان دنیای امروز نه فقط راه حل قابل اعتنا و دلگرم کننده ای ندارند بلکه دورنمای تاریکتری را وعده میدهند. در این اوضاع که میلیون میلیون کارگر به خیابان پرتاب و زندگی شان نابود میشود، سرمایه داران از صدها میلیون دلار جایزه و حمایت دولت از جیب کارگران بهره مند میشوند. بحران اقتصادی کنونی دو راه حل بیشتر ندارد؛ یا سرمایه داری بقا و تداومش را با کوبیدن طبقه کارگر و تحمیل فقر بیشتر حل میکند، و یا طبقه کارگر با نفی نظام مبتنی بر بردگی مزدی و استثمار و مالکیت خصوصی، بحران را به نفع بشریت حل میکند. راه سومی وجود ندارد!

از نظر سیاسی، بحران کنونی به معنی بن بست راه حلهای سیاسی طبقه سرمایه دار و بی اعتباری عمومی این نظام در انظار صدها میلیون کارگر است. سیاستهای مبتنی بر بازار آزاد راست افراطی ورشکست شدند و دخالت و مالکیت دولت در کنترل بازار نیز مسکنی موقتی برای تداوم وضعیت پیشین است. همزمان مارکس و نقد مارکسی نظام موجود از اعتبار بی سابقه برخوردار شده و بارقه های سنت رادیکال کارگری هر روز در گوشه ای از جهان رخ نشان

به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر



بشریت در یکی از خطرناکترین دوره های تاریخ زندگی خود بسر میبرد. حتی مساله بقاء فیزیکی انسانها معضلی جهانی است. سرمایه داری یک آینده تاریک و سیاه را در مقابل کل مردم جهان قرار داده است.

این دنیای وارونه را باید از قاعده اش بر زمین گذاشت. این کار کمونیسم کارگری است. این هدف انقلاب کمونیستی طبقه کارگر است. بجای این جامعه و تمامی تناقضات خرد کننده اش باید نظامی شایسته انسان، نظامی آزاد، برابر و کمونیستی را سازمان داد. جامعه ای که هر کس به اعتبار انسان بودن و چشم گشودن به این جهان به میزان نیازش از کلیه مواهب زندگی برخوردار شود. جامعه ای بدون مذهب، بدون خرافه، بدون ایدئولوژی و بدون زنجیر سنن و اخلاقیات کهنه بر اندیشه آزاد انسانها. جامعه ای که خوشبختی و سعادت و آزادی و رفاه سهم همگان باشد. جامعه ای آزاد، بدون طبقات متخاصم، بدون استثمار، و ستم و بدون کار مزدی. جامعه ای شکوفه،

آزاد و مرفه همین امروز ممکن است. توان علمی و تکنولوژیک و تولیدی انسان امروز قادر به رفع نیازها و تامین آسایش همگان است. و این هدف انقلاب کمونیستی طبقه کارگر است.

دنیای فردا میتواند از تمامی این محرومیتها و مشقات و کمبودها رها باشد. جامعه آزاد و کمونیستی دور از دسترس نیست. باید متحد شد. باید سازمان یافت. باید دست به کار تغییرات عظیم شد.

علی جوادی

دبیر کمیته مرکزی حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۷ آوریل ۲۰۰۹ - ۷ اردیبهشت ۱۳۸۸

نسبی و مداوم طبقه کارگر است. "از عشق و انسانیت تا حق و عدالت، از هنر و خلاقیت تا علم و حقیقت، مقوله ای در جهان سرمایه داری وجود ندارد که مهر این وارونگی را بر خود نداشته باشد."

به این زندگی نگاه کنید: انسانی نیست. بیش از یک میلیارد انسان گرسنه شب سر بر بالین میگذارند. صدها میلیون آماده به کار، اما بیکارند. سوانح کاری سالانه صدها هزار تن را به کشتن میدهد. میلیونها کودک هر ساله از گرسنگی جان می سپارند. فقر و بی خانمانی و محرومیت و بی حقوقی انسانها بیداد میکند. جهالت مذهبی، مردسالاری، زن ستیزی، نژادپرستی، ناسیونالیسم و قوم پرستی و عقب ماندگی و تحجر در جامعه بیداد میکند. زندگی انسانها از کودک و پیر و جوان به دست بیرحم بازار سپرده شده است. در ابتدای قرن بیست و یکم، در دل عظیم ترین تحولات تکنولوژیک،

اول ماه مه روز جهانی کارگر است. روزیکه پیمانها تجدید میشوند، عزمها جزم میشوند، و افق و آینده "یک دنیای بهتر"، یک دنیای آزاد و انسانی و مرفه روشنتر ترسیم میشود. اول ماه مه در عین حال روز اعتراض است. روز اعتراض به تمامی نابرابریها. به استقبال این روز برویم!

کارگران، مردم آزادیخواه و برابری طلب

به این دنیا نگاه کنید: وارونه است. کسانیکه کار میکنند و تمامی ثروت و مواهب زندگی را تولید میکنند، خود در زمره محرومترین انسانهای این جهانند. کسانیکه جهان بر شانه ها و کارشان استوار است، خود در صف بیکاران و گرسنگان و ستمدیدگانند. در این جهان گسترش ثروت و قدرت تولیدی جامعه مترادف با محرومیت

اتحادیه کارگری آمریکا خواهان آزادی کارگران زندانی و برسمیت شناخته شدن حقوق کارگری در ایران شدند!

اتحادیه کارگران شهرداری (لوکال ۲۶۲۰)، اتحادیه کارکنان حرفه ای و مهندسی، اتحادیه کارگران نجاری (لوکال ۲۰۹)، اتحادیه بین المللی کارگران خدمات (لوکال ۶۶۰)، فدراسیون شوراهای کارگران لس آنجلس، اتحادیه کارگران حمل و نقل و (لوکال ۵۰۲)، اتحادیه کارگران فولاد آمریکا (لوکال ۳۳۸)، کنگره سازمانهای صنعتی و فدراسیون کار آمریکا (شعبه لس آنجلس)، فدراسیون معلمین آمریکا (لوکال ۱۰۲۱)، اتحادیه کارکنان سینما و تئاتر (لوکال ۷۲۸)، اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۹۴)، اتحادیه کارگران مواد غذایی (لوکال ۷۷۰)، اتحادیه کارگران مخابرات (لوکال ۹۰۰۰)، اتحادیه کارگران متال (لوکال ۱۰۸)، اتحادیه کارگران نساجی (لوکال ۲۲۹۷)، اتحادیه کارگران نجار (لوکال ۴۰۹)، اتحادیه کارگران ماشین سازی (لوکال ۱۱۸۶)، اتحادیه کارکنان هتل و رستوران (لوکال ۱۱۸۴)، اتحادیه کارگران بارانداز (لوکال ۱۷۱۰)، اتحادیه کارگران شستشو (لوکال ۵۲)، اتحادیه کارگران ساختمانی (لوکال ۱۱۷۰)

خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط فعالین کارگری دستگیر شده و برسمیت شناخته شدن حقوق کارگری در ایران شدند. در قطعنامه این اتحادیه آمده است:

- ۱- ما اتحادیه های کارگری، رژیم جمهوری اسلامی را به خاطر نقض حقوق پایه ای و شناخته شده شهروندی و کارگری و دستگیری و زندان کارگران محکوم میکنیم.
- ۲- ما خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط منصور اسانلو و ابراهیم مددی و لغو احکام زندان علی نجاتی، فریدون نیکوفرد، محمد حیدری مهر، قربان علیپور و جلیل احمدی هستیم.
- ۳- ما خواهان آزادی بی قید و شرط سیاسی، بیان، مطبوعات، تشکل و اعتصاب در ایران هستیم. ایجاد تشکل های مستقل کارگری جرم نیست، یک حق اولیه کارگری است.
- ۴- ما از مبارزات کارگران برای دریافت حقوق معوقه خود، افزایش دستمزدها متناسب با یک زندگی انسانی و همچنین جلوگیری از اخراج و بیکار سازیها قویا حمایت میکنیم. زندگی انسانی یک حق انسانی است.

فراخوان کارگران در سندج و تهران به تجمع و راهپیمائی در اول ماه

زنده باد اول ماه مه

با شرکت هر چه گسترده تر در مراسم اول ماه مه یکپارچه و متحد به دفاع از حقوق انسانی خود بر خیزیم- اتحادیه آزاد کارگران ایران و کارگران یازده واحد تولیدی و خدماتی به مناسبت اول ماه مه خواهان راهپیمائی در سطح شهر سندج شدند

اتحادیه آزاد کارگران ایران

پنجم اردیبهشت ماه ۸۸

دعوت به مراسم روز جهانی کارگر

کارگران! برای دفاع از حقوق انسانی خود و برخورداری از یک زندگی بهتر، دوشادوش هم در مراسم روز جهانی کارگر شرکت کنیم.

تاریخ: روز جمعه ۱۱ اردیبهشت
ماه ۸۸ - ساعت: ۱۷

مکان: تهران خیابان کارگر، داخل
پارک لاله - میدان آب نما

اول ماه مه- ۱۱ اردیبهشت - روز
جهانی کارگرگرمی باد!

ما کارگران ایران، امروز یک پارچه و متحد، مطالبات زیر را به عنوان حداقل خواسته های خود فریاد می زنیم و خواهان تحقق فوری این مطالبات هستیم:

۱- تأمین امنیت شغلی برای همه کارگران و لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و برچیده شدن فرم های جدید قرارداد کار.

۲- حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار، خط مرگ تدریجی است! حداقل دستمزد کارگران باید توسط نمایندگان واقعی و تشکل های مستقل کارگری تعیین گردد.

نماینده های کارگران کارخانه های فوق و اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام کرده اند در صورت عدم صدور مجوز برای انجام راهپیمائی در خیابانهای اصلی شهر سندج، حق خود میدانند که مراسم اول ماه مه امسال را با راهپیمائی در سطح شهر برگزار کنند.

امسال در میان کارگران شهر سندج شور و شوق وصف ناپذیری برای برگزاری هر با شکوهتر مراسم اول ماه مه وجود دارد و کارگران کارخانه های فوق و اتحادیه آزاد کارگران ایران بر انجام راهپیمائی در سطح شهر بمثابة بدیهی ترین حقوق اجتماعی خدشه ناپذیر خود پای فشردند و اعلام نموده اند در صورت عدم صدور مجوز از

۳- برپایی تشکل مستقل کارگری، اعتصاب و اعتراض و تجمع حق مسلم ماست!

۴- دستمزدهای معوقه باید بدون عذر و بهانه پرداخت گردد!

۵- اخراج و بیکارسازی کارگران باید متوقف گردد!

۶- حقوق زنان و مردان در تمامی شئون اقتصادی - اجتماعی باید برابر باشد.

۷- بازنشستگان باید از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی برخوردار شوند.

۸- کارگران با معلمان (کارگران فکری)، پرستاران و سایر اقشار زحمت کش جامعه متحدند و از مبارزات آنان پشتیبانی می کنند.

۹- از اعتراضات و خواسته های کارگران فصلی و ساختمانی قاطعانه پشتیبانی می کنیم.

۱۰- کار کودکان غیر انسانی و استثمارگرانه است. ما با فعالین لغو کار کودک هم سنگر هستیم.

۱۱- منصوراسانلو، ابراهیم مددی و دیگر کارگران زندانی باید بدون قید و شرط آزاد گردند و تعقیب های قضایی علیه دیگر کارگران باید فوراً پایان پذیرد.

۱۲- ما خود را متحد با جنبش های اجتماعی دیگر مانند دانشجویان و زنان می دانیم.

۱۳- ما از کارگران مهاجر مانند کارگران افغانی، به عنوان بخشی از هم طبقه ای های خود، قاطعانه پشتیبانی می کنیم.

۱۴- ضمن تشکر از حمایت های جهانی از کارگران ایران، ما کارگران ایران، خود را متحد با دیگر کارگران جهان می دانیم.

۱۵- اول ماه مه، باید تعطیل رسمی گردد و هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روزملغی گردد.

زنده باد همبستگی بین المللی
طبقه کارگر!

۱ مه ۲۰۰۹ - ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۸

کمیته برگزاری مراسم
اول ماه مه:

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه/ سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه/ اتحادیه آزاد کارگران ایران/ هیأت مؤسس بازگشایی کارگران نقاش و تزیینات ساختمان/ کانون مدافعان حقوق کارگر

شورای همکاری فعالین و تشکل های کارگری: کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های آزاد کارگری/ کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری/ شورای زنان/ جمعی از فعالین کارگری

پیش بسوی اول ماه!

**ما کارگران خواهان جامعه ای آزاد و برابر
و مرفه هستیم!**

مرگ بر سرمایه داری! زنده باد انقلاب کارگری!



پروتکل حزبی، هیچ موضع رسمی حزب و حتی اصول سازمانی نانوشته اما حاکم در حزبش را زیر پا نگذاشته است. فواد عبداللهی، تا آنجا که به ح ک ک - ح برمیگردد یکی از حزبی ترین کادرهای آنست.

دلیل این برخورد زشت، ناپسند و غیر کمونیستی خالد حاج محمدی را باید در این حقیقت انکار ناپذیر و معرفی در مورد این حزب جستجو کرد. این حزب و روش های مذموم آن پدیده ای معرفی است. خودشان هم میدانند که کسی این ادعاهای آنها را جدی نمیگیرد. اما زیر فشار روز افزون از جانب جنبش کمونیسم کارگری، اپوزیسیون چپ و درون تشکیلات خود به خالد حاج محمدی ماموریت حمله داده اند و محتوای حمله را نیز برایش تنظیم کرده اند. باید گفت خالد حاج محمدی مامور است و معذور.

این حزب، طبق معمول، زمانی که گاف اش بر ملا میشود، به منصور حکمت اویزان میشود. ما بارها از آنها خواسته ایم که "منصور حکمت را راحت بگذارند." این بار باید بگوییم که لطفاً به منصور حکمت اویزان نشوید. این ننگ را نمیتوانید با نقل قول از منصور حکمت پاک کنید. سیاست ها و روش های اصولی منصور حکمت نمیتواند شما را از این گردابی که در آن افتاده اید، نجات دهد. اطلاعیه "دریغ از یک جو شعور" علیه خود شما حکم میدهد. بنفع تان نیست به این اطلاعیه ارجاع دهید:

به اشتباهات شان اذعان کنند، به زمین و زمان فحش و ناسزا میدهند.

وزارت اطلاعات کامپیوترهایشان را هک کرده است و هر روز به شکل بسیار نامناسب و شدیداً مضر به حال کل اپوزیسیون مدارک و اسنادی را بر سایت ها منتشر میکند. اینها در عوض یک جنگ دون کیشوت مابانه علیه وزارت اطلاعات برای خود تعریف کرده اند و به جای مبارزه علیه وزارت اطلاعات، به جنگ لفظی، فحاشی و اتهام علیه اپوزیسیون مشغول شده اند. بجای اینکه راهی برای مقابله با نفوذ وزارت اطلاعات در تشکیلاتشان بیابند و ضمناً به جامعه اطمینان خاطر دهند که مسئولانه در تلاش برای ترمیم این ضربه مهم پلیسی هستند، منتقدینشان را "مامور وزارت اطلاعات" و همکار و "پرووکاتور پلیس" مینامند.

دنیا در این حزب کاملاً وارونه است.

دبیر اجرایی این حزب حتی یک کلمه در نقد روش عضو کمیته مرکزی حزیش نگفته است. حتی بخود زحمت نداده است که مثلاً بگوید: "این کار مذمومی است. ما از این اتفاق متأسفیم، اما مسئولیت آن بعهده فرد است و نه حزب." یک چنین موضعی را میشد قبول کرد. میشد بهشان ارفاق کرد و گذشت کرد. اما، خیر. باید با همان رجزخوانی های زشت و ناپسند خصلتی شان به منتقد شان برخورد کنند. چرا؟ باین خاطر که فواد عبداللهی هیچ چیزی خارج از مواضع و سیاست های رسمی حزب متبوعش نگفته است. این حزب در "اسناد رسمی و از زبان مقامات رسمی" اش نه تنها به افراد حقیقی در اپوزیسیون اتهام همکاری پلیسی زده، بلکه یک حزب چپ را "شاخه وزارت اطلاعات" نامیده است. فواد عبداللهی، تا آنجا که به حزب متبوعش برمیگردد، هیچ

در پاسخ به دفاعیه خالد حاج محمدی

عذر بدتر از گناه

آذر ماجدی

منشی مینامند. این روش حاکم در حزب ح ک ک - ح است.

این اولین بار نیست که رهبری این حزب به این شکل زشت و ناپسند در مقابل منتقدین اش موضعگیری میکند و میکوشد آنها را "حقیر" و "کوچک" جلوه دهد. رفقایی که در این چند روزه به موضعگیری خالد حاج محمدی برخورد کرده اند، مثال های متعددی از این روش ذکر کرده اند. در اینجا ذکر این نکته کافی است که فواد عبداللهی، عضو جوان کمیته مرکزی این حزب، که مبارزه سیاسی - حزبی را عمدتاً در این حزب آموخته است، فقط دارد مثل یک دانش آموز خوب، آموخته هایش را تراوش میکند. او تبلور و سمبل این سنت است.

موضع گیری خالد حاج محمدی، علیرغم برخورد زشت و حقارت آمیزش، بسیار دفاعی است. دفاعی بودن موضع از همان اولین کلمات عیان میشود. این رجزخوانی و تلاش برای تحقیر کردن طرف مقابل از روی استیصال است. این حزب شدیداً زیر فشار قرار دارد. اتخاذ سیاست های اشتباه یکی پس از دیگری، و سپس برخوردهای غیراصولی و بی پرنسیپی سیاسی برای لاپوشانی کردن سیاست های اشتباه و بمنظور حفظ نیرو، آنها را به این موضع استیصال انداخته است.

در اثر سیاست های اشتباه، راست روی های پاتولوژیک و بعضاً ماجراجویانه و سپس برخوردهای تحقیر آمیز رهبری برای سرکوب انتقاد، این حزب نه تنها در میان اپوزیسیون منزوی و بدنام شده است، بلکه به "خونریزی داخلی" افتاده است. در چنین شرایطی بجای آنکه به بازبینی اشتباهات خود بنشینند و صراحتاً در پیشگام جامعه

یک دنیای بهتر: تلاش حزب در جلوگیری از آلوده سازی فضای اپوزیسیون توسط برخی جریانات سیاسی و از جمله "حزب کمونیست کارگری - حکمتیست" (ح ک ک - ح) با عکس العمل عصبی و هیستریک و یک سری اتهامات زشت و پوچ از جانب رهبری این حزب روبرو شد. چه اتفاقی برای رهبری این حزب افتاده است؟ خالد حاج محمدی، دبیر اجرایی این حزب، تلاش کرد به بهانه "موضع شخصی" از حزب خود سلب مسئولیت نموده و در عوض مثنی اتهام بار منتقدین این بی پرنسیپی کند. نظر و ارزیابی شما چیست؟ رابطه مسئولیت فردی و حزبی چیست؟ ادعا میکنند که در "جنگ با وزارت اطلاعات هستند" از قرار این جنگ بهشان مجوز میدهد با سابقه ترین کمونیستها را مورد تعرض قرار داده و منتقدین خود را به لقب "پرووکاتور پلیس" مفتخر کنند؟ این چه جنگی است که قربانیانش کمونیستها هستند؟ سالها پیش منصور حکمت در اطلاعیه "دریغ از یک جو شعور" این شیوه اتهام زنی را عمیقاً مورد نقد قرار داد. آیا تکرار آن مواضع در قبال این حزب موضوعیتی ندارد؟

آذر ماجدی: واکنش خالد حاج محمدی به موضع اصولی و مسئولانه حزب ما عین روش و سبک کار این حزب است. ما از این حرکت متأسف شدیم ولی متعجب نشدیم. ما با روش این حزب در این چند ساله کاملاً آشنا هستیم. آنها همیشه بقول ضرب المثل عامیانه "دست پیش میگیرند تا پس نیافتند." زمانیکه اشتباه یا بی پرنسیپی شان را یادآور میشوید، از یک موضع حق بجانب به خود شما حمله ور میشوند. در فرهنگ عامه این روش را رجز خوانی و قلندر

عذر بدتر از گناه...

"لر پاسخ بیانیه ما، حضرات هر چه در چننه خالیشان داشتند بیرون ریختند. فحاشی کردند و رجز خواندند. اعلام کردند که از آنجا که میبندارند با رژیم اسلامی مبارزه میکنند، خود را مجاز میدانند که حقوق مدنی افراد را یکجا شکمی ملغی اعلام کنند و یک تنه در نقش دادستان و قاضی و میرغضب حق افراد را کف دستشان بگذارند. گویی مشکل مردم با خلخالها و ریشپه‌ریها و گیلانی‌ها فقط عمامه شان بوده است و همه منتظرند تا با آغوش باز همان ذهنیت منحط، همان تلقی نازل از شأن و حق فرد و همان دادگاههای صحرایی و محاکمه های مخفی چند نقیفه ای را در بسته بندی جدید از محافل درج‌زده ایرانیان قبلا سیاسی هامبورگ و هانوفر تحویل بگیرند. در پاسخ فحاشی های اینها ما فقط میگوئیم خجالت بکشید."

لازم نیست انسان کمونیست کارگری باشد، یا در حزب منصور حکمت مبارزه کرده باشد تا درک کند این حکم تا چه حد برارنده روش و رفتار ک ک - ح است. هر انسان منصفی که روش های زشت این حزب را در چند ماه پیش مشاهده کرده باشد، اتهام زدن های آنها را به افراد و جریانات اپوزیسیون دیده باشد، با خواندن "دریغ از یک جو شعور" نه تنها حساب این حزب را درجا و کاملا از منصور حکمت و کمونیسم کارگری حکمتی جدا میکند بلکه همچنین تطابق موضع این حزب با "محافل درجا زده ... هامبورگ و هانوفر" را تشخیص میدهد.

یکی دیگر از خصلت های شناخته شده این حزب ژست های توخالی آن است. ژست میگیرند، از روی دست منصور حکمت

کپی میکنند و اعلام میکنند که "آنها میدانند که این حزب دستگاه سانسور بر نظر افراد خود را ندارد." این فقط یک ژست توخالی است. رفیقان طبق اسناد رسمی حزب تان مقاله ای نوشته و یک چهره شناخته شده کمونیست را "پرووکاتور پلیس" نامیده است. اگر با موضع او مخالف بودید، حتما از او میخواستید که نوشته اش را اصلاح کند، از روی سایت تان برمیداشتید و از ایرج فرزند رسماً معذرت میخواستید و اعلام میکردید که یک اشتباه بوده است. این حزب ممکن است "دستگاه سانسور" نداشته باشد، اما ارباب و تحقیر مخالف و منتقد سیاست همیشگی اش است. اگر یکی از کادرهای تان، بعنوان "نظر شخصی" یکی از اعضای رهبری حزب تان را پرووکاتور پلیس می نامید هم همینطور برخورد میکردید؟ میگفتید نظر شخصی او است و شما دستگاه سانسور ندارید؟ لطفا مردم را بازی ندهید!

از آنجا که در مورد اطلاعیه های شخصی به منصور حکمت ارجاع داده شده است، ضروری است که برای روشن شدن اذهان عموم به یک تجربه مشخص از برخورد منصور حکمت به یک اطلاعیه شخصی اشاره کنیم.

حدود 8-9 سال پیش اطلاعیه ای از اعظم کم گویان از کادرهای حزب کمونیست کارگری در مورد اسماعیل خوبی منتشر شد. اعظم کم گویان در این اطلاعیه با لحن زشتی به اسماعیل خوبی توهین کرده بود. توجه کنید: اتهام نزده بود. او را همکار جمهوری اسلامی یا وزارت اطلاعات و غیره نامیده بود. به او توهین زشتی کرده بود. منصور حکمت بمحض اطلاع از محتوای این اطلاعیه که فکر میکنم عملاً چند ساعت پس از توزیع آن بود، از کمیته حزبی در انگلستان خواست که توزیع این اطلاعیه را فوراً متوقف کند. از کمیته خارج کشور خواست که بهیچوجه آن را

روی میزهای کتاب حزب نگذارد و از سایت روزنه خواست که آنرا منتشر نکند. به خود اعظم کم گویان اشتباه اش را توضیح داد. و بالاخره در اولین پلنوم پس از این ماقع در مورد آن صحبت کرد، توجه کادرهای حزب را به برخورد اصولی و درست جلب کرد و در پاسخ اعظم کم گویان که در توجیه رفتار ناپسندش گفت: "عصبانی شدم." گفت: "لطفا عصبانی نشوید!" منصور حکمت در برخورد به یکی از اعضای اپوزیسیون با این دقت و وسواس برخورد کرد و کوشید کادرهای حزب را به اتخاذ روش های درست و اصولی تشویق کند. این روش و اصولی گری منصور حکمت است. ارجاع به منصور حکمت فقط اوضاع تان را بدتر میکند و بیشتر باعث آبروریزی تان میشود.

کوشیده اند بصیرت نشان دهند و نیت ما در محکومیت این روش را روانکاوای سیاسی کنند. نیت ما را "کاسبکارانه" خوانده اند. مدعی شده اند که حزب اتحاد کمونیسم کارگری:

"به بهانه نظر شخصی رفیقی که تازه نوشته اش در هیچ نشریه رسمی حزب نیامده است، اهداف حقیرانه دیگری را دنبال میکند. مسئله دفاع این جریان از حقوق انسان و فضای سالم سیاسی در این ماجرا، پوششی برای یک کاسبی حقیرانه است."

تمام ماجرا این است که اینها چشم امید به پیوستن چند نفری بسته اند که زمانی در صف ما بوده اند. تمام حقوق انسان و دفاع از فضای سالم سیاسی و ادعاهای بزرگ و کوچک این جریان را چنین منفعت حقیری رقم میزند. جریانی که این قطب نمای سیاسی اش در دنیای امروز باشد، سرانجام بهتری از موقعیت ورشکسته کنونی حزب اتحاد در انتظارش نیست. جریانی که رسماً دروغ میگوید را نباید جدی گرفت."

ما مسئولانه و در پیگیری از

اصول کمونیسم کارگری حرکت زشت و مسموم فواد عبدالمی را محکوم کرده ایم و اعلام کرده ایم که انتظار میرفت حزب ک ک - ح رسماً این حرکت را محکوم کند، نوشته را از روی سایت حزبی اش بردارد و عذرخواهی کند. باین خاطر مشمول اظهار لطف بیدریغ و بسیار مودبانه خالد حاج محمدی، بعنوان مقام رسمی، این حزب شده ایم. نیت ما را کاسبکارانه خوانده اند. واقعا که این ژست های توخالی تا چه حد ناخوشایند و نابرازنده است. ظاهراً "کافر همه را به کیش خود بدارد!"

جالب اینجاست که در اظهارنامه رسمی مقام رسمی شان که قصد دارد تقصیر یک کار زشت و کریه را از دوش حزب بردارد و به دوش فرد بیاندازد نیز نمیتوانند کمی خود را کنترل کنند و ادب بخرج دهند. در همین نوشته با لحنی تحقیر آمیز به کمونیست های با سابقه ای اشاره میکنند که در نقد به سیاست ها و روش های این حزب، که یک نمونه اش را در اینجا مشاهده میکنیم، از این حزب کناره گیری کردند. دست بر قضا، یکی از کسانی که در اینجا مورد لطف مقام رسمی این حزب قرار گرفته است، موضوع این جدال است و اتهام به او این موضعگیری را لازم کرده است.

این اولین بار نیست که حزب ما چنین برخورد کرده است. وقتی حدود دو سال پیش، درست پیش از کنگره دوم این حزب، رهبری ح ک ک این حزب را اتهام باران کرد، ما این حرکت را محکوم کردیم. زمانی که جریان آذرین - مقدم بر مبنای اطلاعات وزارت، اطلاعات علیه داب مطلب نوشت، این کار را نیز محکوم کردیم و عملی شنیع و مذموم خواندیم. وقتی این حزب عنان پاره کرد و راست و چپ، اپوزیسیون را به همکاری با پلیس سیاسی متهم کرد، این کار را نیز محکوم کردیم. ما در اصولگیری خود منسجم و پیگیریم. پایبندی به اصول خصلت ما است. روش حزبی ما است. جای افتخار است که این حزب به کمونیسم کارگری حکمتی پایبند است.

عذر بدتر از گناه...



در حاشیه اظهارات ضد زن آخوند طباطبایی

علی طاهری

جمهوری اسلامی بعد از سی سال حکومت آپارتاید جنسی و ارتش ضد زن شکنجه و سنگسار و شلاق هنوز نمیتواند نفسی راحت از دست زنان بکشد. نه فقط انواع گشت سپاه و یگان ویژه و باد زدن ناموس پرستی و مردسالاری دردی از این حکومت ضد زن دوا نکرده بلکه روز بروز بنیادهای اسلام و عقب ماندگی و تحجرشان بیشتر بر باد رفته است.

آخوند طباطبایی سر اراجیف باف بنیاد مفتخواران نماز جمعه اخیرا گفته است 74 درصد دختران ایرانی باکره به خانه نمی روند. حال بماند که جوانان شعری هم برایش درست کردند و او را "شیخ سگ" در اصفهان می نامند و گفته اند دیگر تو را چه به این حرفها که در اسلامت دختر بچه 9 ساله را شوهر میدهی؟ این عکس العمل نشان دهنده سطح حساسیت جوانان به این مزخرفات اسلامی است که همه جای ایران رواج دارد و میتوان روزانه بارها شنید. اما هدف این آخوند از وکیل شدن "دختران ایرانی" چیست؟ اینها دنبال این هستند که با تحریک عقب ماندگی و روحیات مردسالار، عناصر ذکور خانواده ها را از پدر و برادر تا شوهر و عمو و غیره به زندانبان زنان تبدیل کنند. می بینند با این اوضاع هر روز سرنوشت اسلام بر باد است. چیزی از عمر منحوس و ارتجاعی شان نمانده و سیاست سرکوب هم که جواب نداده است. لذا با ناامیدی دست بدامن عقاید مردسالار شدند. گویی قبلا این روحیات و تمایلات نبوده است.

اما مردم نه کر اند و نه کور. نه اولین بار است منبر و ترهات اسلامی آخوند را میشوند و نه اینها را به پیشیزی حساب میکنند. تردیدی نیست تحمیل قوانین ارتجاعی و ضد زن فقط با سرکوب خونین ممکن نشده است بلکه میدان دادن به مردسالاری و عقاید کهنه و باد زدن آن یک وسیله تداوم این نظام آپارتاید ضد زن بوده است. این نوع اظهارات معنی سیاسی دارد و همواره مقدمات فاز جدیدی برای سرکوب بوده است. چون اینها هر وقت یک قدم عقب گذاشته اند، مردم چند قدم به جلو آمده اند. همین الان مناسبات جوانان دود از کله آیت الله های فسیل اسلامی بلند کرده است.

باید به این مجسمه زنده بلاهت گفت: حضرت آقا! با پایان رسیدن عمر رژیم منحوس تان، عمارت ناموس و پرده بکارت و عقاید و رسوم عهد کهن هم فرو میریزد. زنان حکومت شما را علیرغم وحشی گریهائیتان به تنگ آورده اند. ته این خط سرنگونی شماها و محاکمه تان است. باید مبارزه علیه این رژیم را گسترش داد و کارشان را تمام کرد.*

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپایی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmata-public-archive.net/>

www.m-hekmata.com/

یک دنیای بهتر

را بخوانید و در توزیع و تکثیر آن بکوشید!

اگر سیاست های کمونیستی ما، روش اصولی حزب و پایبندی مان به کمونیسم کارگری حکمتی موجبات اتحاد و نزدیکی کمونیست های کارگری با سابقه و سرشناس را فراهم آورد، این فقط جای خوشحالی، افتخار و بیانگر درستی و اصولی گری سیاست های ماست. نزد حزبی که از سیاست فقط سکتاریسم، رجزخوانی و تحقیر سایرین را میفهمد، ممکن است این روش به کاسب کاری تلقی شود. این مشکل آنها است. اکنون حزب اتحاد کمونیسم کارگری در بیش از دو سال فعالیت پیگیر در دفاع از کمونیسم کارگری منصور حکمت، در پراتیک پیگیر و انقلابی کمونیستی، در نقد پیگیرانه اپورتونیسم سیاسی و سیاست های راست و چپ سنتی که تحت نام کمونیسم کارگری به جامعه ارائه میشود، جای خود را در جنبش کارگری، جنبش کمونیسم کارگری و جامعه کاملا محکم کرده است. همین واقعیت مقام رسمی حزب ک-ح را به پاسخ رسمی به نقد ما واداشته است. بنابراین ادعاهایی چون "حزبی را که دروغ میگوید نباید جدی گرفت" را فقط باید یک ژست توخالی و موضع دفاعی دانست که در اثر فشار روزافزون حزب اتحاد کمونیسم کارگری بر این حزب برانگیخته شده است.

از همه مضحک تر این نکته است که در نوشته ای بر سر رد محکومیت از حزب و رجز خوانی برای منتقدین، گذرا به نقد ما از مواضع شان در مورد بحران جاری جهانی سرمایه داری اشاره ای کرده اند و آن را "دروغ" نامیده اند. این دیگر شاهکار سیاسی روز است. نمیتوانند یک پاسخ جدی و سیاسی به نقد ما بدهند، "کاسبکارانه" از این موقعیت استفاده کرده اند تا به تشکیلات شان بگویند جواب نقد های حزب اتحاد کمونیسم کارگری را داده اند. سپس خطاب به تشکیلات شان گفته اند: "اینها سر سوزنی نه قابل اعتمادند و نه جایی جدی را در سیاست اشغال میکنند. جارو جنجالهای بی پایه جریانی حاشیه ای و اپورتونیست که هر بار دروغی را به اسم دیگران در بوق میکنند، تا دل چند نفر را بدست آورند، دیگر نباید به مشغله ما و کسی تبدیل شود. نباید جدی گرفته شود. هیچ فعال سیاسی جدی و با پرنسیپی با چنین جار و جنجالهای حقیرانه ای جذب یک جریان سیاسی نا سالم نمیشود."

و پس از این موضع آیت الکرسی مابانه، یک فوت بخود و حزب شان کرده اند. امیدشان اینست که با این رجزخوانی بی خاصیت، با این حمله پیشگیرانه که اگر کسی جذب حزب اتحاد کمونیسم کارگری شود "نه جدی و نه باپرنسیپ است" و این ژست های توخالی، حزب شان را در مقابل نقدهای محکم و کمونیستی ما واکسینه کرده باشند. این موضعگیری رسمی ح ک-ح - ح بیش از هر چیز خطاب به تشکیلات خود است. خود میدانند که در میان اپوزیسیون کسی این موضعگیری های آنها را جدی نمیگیرد. دارند به فشار درون تشکیلاتی پاسخ میدهند. میخواهند جلوی خونریزی داخلی ای را بگیرند که سر فروایستادن ندارد.*



اسلامی خواهد نمود. هرگونه اقدام برای متعارف نمودن سرمایه اسلامی و بروز دوگانگی در سیاست بالای حاکمیت، مصنوعی، نمایشی و عمل به آن غیرممکن است. کرکس های ابواب جمعی حکومت علیرغم درجاتی از محرومیت و مغبونیتی که شبکه های سیاسی و اقتصادی شان در طول مدت نزدیک به چهار سال در حاشیه قدرت سیاسی متحمل شدند، بهتر و روشنتر از هرکسی به این واقعیت مسلم و غیر قابل اجتناب وقوف دارند. از این نظر ملاحظه میشود که تعدادی از شبکه های مردم حاکمیت سرمایه اسلامی به همراه تعداد کثیری از آیت الله های قم برای انتخاب رئیس جمهور آینده شان دارند شیر یا خط می اندازند. بسیاریشان مانده اند که انتخاب کدامشان به صرفه تر است. کروب، موسوی، احمدی نژاد و یا رضایی؟ درگیریهای داخل جناحهای حاکمیت اسلامی علیرغم شدت و حدت روزافزونش بر خلاف ادعاهایی که میشود و وعده های پوچ و بی مایه ای که طبق معمول داده میشود نه تنها ذره ای متوجه منافع مردم نیست بلکه تنها از سر مغبونیت و محرومیت از کلید داری "خزانه بیت المال" و شراکت در اعمال قدرت سیاسی برای هدایت سرمایه و سود است. مخالف خوانی و کشمکش شبکه های سیاسی و اقتصادی متضرر شده با "انحصارطلبی" شبکه های سیاسی و اقتصادی کفتارهای مسلط بر قدرت سیاسی از همین جاست. کوشش مجدانه لاشخورهای "اصلاح طلب" برای جلب آرای آیت الله ها علیرغم اینکه میدانند مردم بشدت از آیت الله ها منتفرند و همچنین تاکیدات مکررشان در پایبندی به "اصولگرایی اسلامی" برای دفع اتهام "غیر اسلامی بودن" که از جانب کفتارها به آنها وارد میشود، جملگی حاکی از تضمین دادن آنها

کند میگردد. مفهوم "تکلیف شرعی" حاکم اسلامی نیز از همینجا مستفاد میشود. هرچه نارضایتی و عدم تمکین جامعه به اعمال سیاست سرمایه اسلامی به زندگیش افزونتر و اعتراضش گسترده تر میشود از نظر حکومت اسلامی زیانکاریش افزایش می یابد و هر روز بیشتر از گذشته مستحق تنبه، فقر، ذلالت و بیخانمانی است. به عبارت دیگر، منافع سرمایه اسلامی صرفاً با استیلا هرچه بیشتر این سیاست تامین میشود. چرخش شدیدتر کرکسهای "اصلاح طلب" به "اصولگرایی" و اعلام وفاداری به قوانین شدید اسلام، سیره امام خمینی و ولایت فقیه در معرکه "انتخابات" جاری نشان بارز ضرورت تجمع هرچه بیشتر جناحهای سیاسی و شبکه های سرمایه اسلامی حول مبانی ایدئولوژیک سیاست مزبور است. بقیه داستان "خوشگلش تر و قابل تحمل ترش" میکنم هایشان درخلال اعلام التزام و وفاداریشان به این اصل اسلام ناب محمدی، باد هواست.

سرمایه داری از هر نوعش چیزی بجز نداری و تباهی برای مردم کارگر و زحمتکش و تولید کنندگان اصلی جامعه در بر ندارد. منتها این یکی از نوع ویژه و اتفاقاً جدید و بی سابقه آنست که در امتزاج و کاربرد یک تلقی منسوخ و مربوط به عصر شترچرانی از وجود و نقش انسان در جامعه آموزش را پیش می برد.

چه جناح کفتارها و چه هریک از رقبایشان در جناحها و شبکه های کرکسها "کلید دار حرم" ثروت جامعه شود، به نحو احتراز ناپذیری مکلف است دوش به دوش و در هماهنگی هرچه تمامتر با "مقام معظم" و توابع آن شمشیر بزنند. هرگونه نفی و یا ایجاد دوگانگی با سیاستهای لازم اسلامی در مهار جامعه مخاطرات جدی و از هم گسیختگی غیرقابل کنترلی را متوجه موجودیت حکومت

کرکسها و کفتارها،

بد و بدترهای اسلام سیاسی!

سعید مدانلو

دریافت "صدقه سری" حکومت و توزیع سبب زمینی در سطح بسیار وسیعتری انجام میدهند. این سیاست در جوار ارباب آفرینی و ایجاد خوف در مردم با اعمال تنبیهات و محرمات اسلامی نعل به نعل مطابق دستورات و احکام قرآن، احادیث نبوی و فقه اسلامی در نگاهشان به جامعه بشری است. عدم امکان متعارف شدن نظام سرمایه داری تحت حکومت اسلامی به علت مبانی ایدئولوژیک - سیاسی جمهوری اسلامی است. در این حکومت ارکان گردش و عملکرد سرمایه باید از فیلتر و تونل تاریک اعوجاج اسلامی و حجره های کرکس ها و کفتارها عبور کند. از این نظر بحران سرمایه در ایران اساساً سیاسی است. خصوصی یا دولتی بودن آن هیچگونه توفیری نمیکند. در هر دو صورت کنترل و مالکیت و همه چیز در دست سران باندهای مافیائی متشکله در حکومت است.

براساس مبانی ایدئولوژیک این سیاست "انسان ذاتاً موجودی زیانکار است" و الله از این بابت "قسم جلاله" نیز میخورد! (سوره العصر و بسیاری سوره های دیگر). مطابق آیه های متعدد قرآن انسان برای رهایی از زیانکاری ذاتی خود و رستگار شدن تنها ناچار است مومن به اسلام شده و به تحکیم حکومت اسلامی خدمت کند. هرگونه تمرد انسان از حکم مذبور او را مستوجب جزا میکند. بدین لحاظ بر حکومت اسلامی واجب است که جلوی "زیانکاری انسان" را بگیرد و قوانین جزایی سخت برای تخفیف زیانکاری او اعمال نماید. وظیفه اصلی حکومت اسلامی اعمال جزای هرچه خوف انگیزتر با استقرار اهرمهایی هرچه کارا تر در جامعه است که از عهده انجام آن برآید. بدون "زیانکار بودن انسان" حکومت اسلامی معنی ندارد. حکومت اسلامی به عینه "مشروعیت" حضورش در جامعه را صرفاً از آنجایی که باید با "زیانکاری ذاتی انسان" مقابله

از قرار معلوم مبالغ معتدلی از لاشه شکار بزرگ دویست و هفتاد میلیارد دلاری نفت توسط کفتارهای "اصولگرا" موسوم به جناح بدتر و شبکه های مربوط به آن در سرمایه اسلامی روی هوا تکه پاره و بلعیده شد. به نظر میرسد شبکه های اقتصادی و سیاسی کرکسهای لاشخور "اصلاح طلب" موسوم به جناح بد، قریب به چهار سال به علت در حاشیه قدرت بودن و نداشتن اتوریته کافی بر سر چپاول خوان یغما زیان بزرگی را تجربه کرده باشند! درگیریهای داخل مجموعه جناحهای بد و بدتر حکومتی عمدتاً منبعت از این واقعیت است. قدر مسلم دعوا بر سر اصل چپاول ثروت جامعه نیست بلکه بر سر سهم خواهی شبکه های موجود در ارکان سیاسی و اقتصادی سرمایه اسلامیت. از این نظر تفاوتی میان بد و بدترشان موجود نیست. برای نمونه کروب که این روزها "خوش خط و خال تر" از بقیه شان به نظر میرسد در زمان اقتدارش در مجلس شورایی اسلامی تنها طی یک فقره از پرده بیرون افتاده شخصاً سیصد میلیون تومان از "قربانی معروف" شهرام جزایری رشوه ستاند. حال دیگر حتی قادر نیستند در حد و اندازه گذشته نیز زدی-گرگی هایشان را از مردم پنهان کنند.

عملکرد دولت احمدی نژاد به نحو آشکاری مبین الزامات مافیایی و غیر متعارف سرمایه اسلامی است. حکومت اسلامی حکومت باندهای متفرقه مافیائی در سیاست و اقتصاد است. سران مافیا معمولاً برای جلب سمپاتی و "مشروعیت" بخشیدن به حضور خود در سطح جامعه در مناسبتهای مختلف با وانت بار در مناطقی از شهر بسته های گوشت و بوقلمون توزیع میکنند. احمدی نژاد و دارو دسته، عین همین کار را با شیوع دادن عریضه و استغاثه نویسی در جامعه برای

کرکسها و گفتارها،

بد و بدترهای اسلام سیاسی ...

به کل حاکمیت در التزام داشتن به اعمال سیاستهایی است که بیش و پیش از هر چیز در خدمت تداوم بقای جمهوری اسلامیست. نماینده هر یک از جناحها که متصدی قدرت اجرایی شود وظیفه اصلی اش به جز اعمال سرکوب بمراتب گسترده تر از وضعیت حاضر، بیکار و فقیر سازی و تنبیه مردم، بیشتر و سبعانه تر از آنچه که هست نخواهد بود. خاتمی که ابتدا از وارد شدن به صحنه مردم بود با علم به این واقعیت وظیفه عملیات آتی ریاست جمهوری کرکسها را به موسوی سپرد. چه فرقی میکند، هر دو شان سید اند و اولاد پیغمبر! فعلا خاتمی نقش جاده صاف کن دارد و در حاشیه رئیس کلاشی و سفیر کبیری "تمدن" ام القرای اسلامی را دارد. از عوامفریبی اسلامی تا قمه کشی بسیجی و گازاشک آور و گلوله پاسدار و قوای انتظامی و زندان و شکنجه و اعدام همه الزامات بقای حکومت کرکسها و گفتارها است.

و مادام که قدرت واقعی در مقابل این باندهای سرمایه داری اسلامی قد علم نکرده در بر همین پاشنه میچرخد. یک اول ماه مه پر قدرت و کوبنده لازم است که پشت جمهوری اسلامی را بلرزاند. یک نمایش پرصلاطت فریاد "مرگ بر سرمایه داری" که طنین و پس لرزه اش بیت آیات عظام را بلرزاند. یک آلتیماتوم که "دیگر این وضع قابل تحمل نیست" و یک پیام تهدید آمیز که "کارگر آماده اعتصابات سراسری است" باید محکم به گوش سران حکومت رسانده شود. برای اینها باید سازمان یافت و نقدا شبکه های تشکیلاتی متکی بر مجامع عمومی کارگران را راه انداخت. با اولین جلوه های اعمال چنین قدرتی حکومت ماستش را کیسه میکند، دیگر جرئت نمیکند آدمکشهای دیروزش را امروز بزرگ کند، جرئت نمیکند دستمزد کارگر را نپردازد و یا به خودش اجازه دهد کارگر را از کارخانه بیرون بیندازد.

اول مه امسال فرصتی است که قدرت کارگری به رخ این حضرات کشیده شود تا هم کارگران احساس قدرت کنند، هم جامعه و مردم نارضاضی احساس غرور کند، و هم شعله آتش جهنم اسلامی فروکش کند و بد و بدترشان از ترس موش شوند و بروند توی سوراخ هایشان.*

گسترش اخراج کارگران به بهانه "افزایش دستمزدها"؟!

طی چند روز گذشته تعدادی از کارگران قراردادی شرکت صنایع پلاستیکی کاج که هر یک بیش از یکسال نیز سابقه کار داشتند از کار اخراج شدند. قارتان آبهوسیان از سرمایه داران منطقه بومهن و مالک شرکت گفته است: **حالا که در سال جدید دستمزد کارگران را افزایش داده اند من توان پرداخت دستمزدها را ندارم. باید تعدادی از کارگران بروند و کارشان بین دیگر کارگران تقسیم شود!** قرار است در روزهای آینده تعداد دیگری از کارگران از کار اخراج شوند. شرکت صنایع پلاستیکی کاج در زمینه تولید قطعات پلاستیکی یخچال فعال است و عمدتاً سفارشات کارخانه یخچال سازی امرسون را انجام میدهد. این شرکت در منطقه بومهن در ۲۰ کیلومتری شرق تهران واقع است.

معیشت طبقه کارگر به عناوین مختلف مورد هجوم سرمایه داران قرار گرفته است. کارگران در اول مه باید علیه این اوضاع برده وار صدایشان را بلند کنند. آنچه که بورژوازی و دولتشان نمیتواند تامین کند، طبقه کارگر و حکومت کارگری در وسیع ترین شکل آنرا تامین خواهد خواهد کرد. معضل کارگران اجرای قانون نیست، قانون در جامعه سرمایه داری حافظ منفعت سرمایه دار است. معضل خود این نظام است که سرپای آن ضد انسانی و ضد کارگر است و بر استثمار و بردگی اکثریتی عظیم بنا شده است. علیه این نظام باید بپاخواست و آنرا بزیر کشید.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ۲۷ آوریل ۲۰۰۹

بنا به خبر دریافتی، در هفته های اخیر کارفرماها و سرمایه داران در صنایع مختلف تلاش جدیدی را برای تشدید استثمار و اخراج کارگران شروع کرده اند. تا دیروز با اتکا به قراردادهای سفید امضا و سیستم تصفیه اول سال با شرکتهای پیمانی اخراج درصدی از کارگران را صورت میدادند. مثلاً در شرکتهای وابسته به مجموعه صنعتی ایران خودرو ده درصد از نیروی استخدامی توسط شرکتهای پیمانکاری را اخراج و پنج درصد نیروی کار جدید استخدام میکردند. این سیاست با همکاری کارفرمای هر واحد مربوطه و ارائه لیستی به پیمانکار پیاده میشد. با گسترش بحران اقتصادی جهانی توجیه جدیدی برای اخراج کارگران و حمله به معیشت کارگران شروع شد. همه سرمایه داران یکصدا از بحران جهانی میگویند و اینکه وضع همه جای دنیا همینطور است و باید درک کرد!

بدنبال "افزایش" ۲۵ درصدی حداقل دستمزد کارگران در "شورای عالی کار"، که بلافاصله با اعتراض اتاق بازرگانی و کارفرماها به ۲۰ درصد کاهش یافت، اخیراً مسئله جدیدی به این توجیها اضافه شده است. سرمایه داران میگویند با "افزایش دستمزدها" ما توان پرداخت دستمزدها را نداریم. لذا راه را در کاهش نیروی کار و افزایش شدت کار یافته اند. یعنی کارفرماها آنجا که به منافعشان برمیگردد برای قانون دولت خودشان پیشیزی ارزش قائل نیستند و دولت نیز خدمتگزار آنهاست. آخرین مورد در صنایع پلاستیک کاج بوده است.

پخش اطلاعیه اول مه حزب در کرج!

بنا به خبر دریافتی، امروز هفتم اردیبهشت ماه تعداد زیادی از محله ها و مناطق کارگری کرج تحت پوشش یکی از تیمهای تبلیغاتی حزب اتحاد کمونیسم کارگری قرار گرفت.

رفقای تیم تبلیغاتی حزب صدها نسخه از اطلاعیه حزب بمناسبت روز جهانی کارگر تحت عنوان "مرگ بر سرمایه داری، جهانی آزاد و کمونیستی باید ساخت" را در محلات و مناطق کارگری کرج از جمله؛ میانجاده، حصارک بالا، حیدر آباد، شاهین ویلا، و باغستان بدست کارگران و زحمتکشان رسانند. در این حرکت تبلیغی اکثر خیابانهای اصلی و فرعی این مناطق تحت پوشش قرار گرفت.

حزب، ابتکار و تلاش انقلابی فعالین کمونیست را ارج میگذارد و دستشان را بگرمی میفشارد. همه جا به استقبال اول مه سوسیالیستی طبقه کارگر برویم. باید در اول مه علیه این نظام منحن ضد کارگر و ضد جامعه بپاخوریم. اول مه را به کارگران جهان تبریک میگوئیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ۲۷ آوریل ۲۰۰۹

اعتصاب یا خانه نشین کردن معلمان؟

علی جوادی



همانطور که قبلا اعلام کرده ایم، کانون صنفی معلمان تشکل مستقل و توده ای معلمان نیست. سندیکا نیست. یک تشکل توده ای اما با سیاستهای راست و یا رفرمیستی نیست. منعکس کننده اراده مستقل توده های معلم نیست. چیزی شبیه "انجمنهای اسلامی" و "خانه کارگر" اما از جنس دوم خردادی آن است. یک جریان ملتزم به حکومت اسلامی و ارتجاع حاکم است. جریانی نیمه دولتی - اسلامی است. از نوع دفتر تحکیم وحدت و انجمنهای اسلامی در دانشگاهها است. سری به سایت این جریان بزنید. بهترین کار در نزد این جریان پس از "نماز به وقت"، "جنگ در راه خدا" است! اشتباه فاحشی است اگر این جریان را حتی با سندیکاهای مستقل کارگری برابر دانست و یا حتی مقایسه کرد. یک تشکل مستقل و توده ای کارگری میتواند راست باشد یا چپ باشد. اما این جریان یک تشکل مستقل از حکومت و جریانات حکومتی نیست. منعکس کننده اراده مستقل معلمان نیست. همانطور که دفتر تحکیم وحدت چنین موجودیتی نیست، خانه کارگر و انجمنهای اسلامی مرتجع نیستند. وجود و فعالیت بخشهایی از معلمین در این تشکل خصلت "مستقل" از حکومتی به این جریان نمی بخشد. کانون صنفی معلمان یک تشکل زرد و ملتزم به حکومت است. این جریان آلترناتیو احزاب حکومتی برای سازماندهی صفوف معلمان در خدمت سیاستهای ارتجاعی و اسلامی احزاب حکومتی است.

یک تشکل توده ای و مستقل کارگری هم میتواند دارای سیاست راست و سندیکالیستی و یا توهم آمیز باشد. سندیکالیسم اساسا چنین سیاستی است. اما تفاوت مساله بر سر "حکومتی بودن" و "مستقل از حکومت بودن" است. "کانون صنفی معلمان" فاقد چنین ویژگی و شرایطی است. نتیجتا نوع برخورد ما نیز به این تشکل در زمره برخورد به جریانات دولتی، اعم از جناح راستی یا

دوم خردادی است. هر تشکل توده ای کارگری مستقل از سیاست حاکم بر آن، یک دستاورد طبقه کارگر است و ما برای حفظ موجودیت آن تلاش میکنیم. ما از هر دو خشتی که کارگران و معلمان روی هم گذاشته باشند قاطعانه دفاع میکنیم. ما در درون تشکلات مستقل توده ای کارگری سندیکایی، علیرغم نقدمان به سندیکالیسم، فعالیت میکنیم. تلاش میکنیم که سیاست راست و سندیکالیستی و قانونگرایی آن را نقد و ایزوله کنیم. تلاش میکنیم خط کمونیسم کارگری را در این تشکلات تقویت کنیم. میکوشیم ساختارهای این جریانات را هرچه بیشتر به ساختارهای تشکلات شورایی و منعکس کننده اراده توده کارگر و معلم نزدیک کنیم. اما یک تشکل زرد و نیمه حکومتی را باید ایزوله کرد. ما منتقد سندیکالیسم هستیم. سندیکالیسم یک سیاست راست و رفرمیستی است. اما سندیکالیسم یک سیاست است در حالی که سندیکا یک تشکل توده ای کارگری است. کانون صنفی معلمان تشکلی از جنس سندیکا نیست. از این رو سیاست کمونیسم کارگری در قبال کانون صنفی معلمان و تشکلات مشابه نمیتواند مشابه سیاست ما در قبال تشکلات سندیکایی و مستقل کارگری باشد. سیاست ما روشن است: باید تشکل مستقل توده های معلم، تشکل شورایی آنها، را شکل داد. چنین تشکلی در حال حاضر تنها میتواند شورای سراسری معلمان باشد. تحقق چنین تشکلی منوط به برپایی جنبش مجامع عمومی معلمان و سازماندهی اعتراض توده های معلمان در مراکز متعدد آموزشی است. سیاست ما در این عرصه تماما مشابه سیاست ما در قبال سایر بخشهای طبقه

اند، قدرتش را به نمایش نگذاشته اند. این اقدام فشاری را علیه دولت اعمال نمیکند. نیرویی را به گرد صفوف معلمان اعتراضی جمع نمیکند. دانش آموزان را به حمایت گسترده و اعتراضی از معلمان بسیج نمیکند. خانواده های دانش آموزان و توده مردم را به حمایت از خواست و اعتراض معلمان به میدان نمیکشد. و این روش سیاسی جریانی است که هدفش پیروزی و تحقق خواستهای عادلانه معلمان نیست. تلاشی برای کشیدن دندان اعتراضی معلمان است.

واقعیت این است که "کانون صنفی معلمان" یک جریان دوم خردادی است. خط حاکم بر این جریان مولفه های مشترکی با احزاب دوم خردادی و مشخصا حزب مشارکت دارد. تلاش برای گردآوری نیرو برای بازگرداندن میرحسین موسوی، این قداره بند دوران شکل گیری رژیم اسلامی، یک رکن سیاست این جریانات در شرایط کنونی است. از این رو میکوشند پتانسیل اعتراضی معلمان را به نیروی ذخیره این پرش تبدیل کنند. یک رکن دیگر سیاست این جریان محدود کردن خواستها و مطالبات معلمان در قالب "مصوبات مجلس اسلامی" است.

در شرایطی که توده رادیکال معلمان بارها نشان داده اند که آماده یک مبارزه جدی و رادیکال برای تحقق خواستهای خود هستند، کانون صنفی معلمان به اشکال مختلف این پتانسیل اعتراضی را به بیراهه کشانده و تحلیل برده است. بررسی این تجربه معین بیانگر آن است که پیشروی معلمان و تحقق خواستهای آنها بیش از هر زمان در گرو کنار زدن این رهبری و سیاستها و شکل دادن به تشکل مستقل و شورایی توده های معلم است.

سیاست ما در قبال کانون صنفی معلمان

"در اولین روز از این اعتصاب، معلمان در مدرسه و کلاس درس حاضر شدند اما در اعتراض به بی توجهی به خواسته هایشان از تدریس خودداری کردند این در حالی بود که دانش آموزان را نسبت به دلایل انجام این حرکت آگاه کردند. در دومین روز نیز معلمان در مدارس حاضر شده اما از رفتن به کلاس درس خودداری کرده با این حال در حفظ نظم کلاس و مدرسه با مدیران و معاونان محترم مدارس همکاری کردند. در سومین روز نیز که به عنوان روز اعتراض ملی معلمان نامگذاری شده، تمامی معلمان از حضور در مدرسه خودداری میکنند." آنچه در اینجا آمده است اجزای اقدام سه روزه کانون صنفی معلمان است که پیاده شد.

اما بر خلاف تبلیغات پوچ رهبری این کانون، این مجموعه طرحی برای سازماندهی اعتراض بر حق معلمان و گامی در جهت تحقق خواستهای رادیکال آنها نبود. بر عکس طرحی برای عقیم کردن آن بود. خودداری کردن از حضور در مدارس، اعتراض نیست، اعتصاب نیست، تلاشی برای خانه نشین کردن معلمان معترض است. اعتصاب یک اقدام متحدانه و متشکل بخشهایی از طبقه کارگر (و در اینجا معلمان) است. اقدامی است که ماحصلش، حتی اگر پیروزی بلاواسطه نیروی اعتصاب کننده نباشد، افزایش درجه اتحاد و همبستگی طبقاتی و بالا رفتن میزان خودآگاهی به نیروی جمع و تشکل است. قدرت کارگر در جمع، در تشکل، در همبستگی و آگاهی اش است. نام این اقدام کانون صنفی معلمان اعتصاب نیست. این اقدام فاقد قدرت متحد کننده است. رادیکال نیست. اعتراضی نیست. معلمانی که به جای اعتراض متشکل و متحد در خانه بسر برده اند، قدرت متشکلی را شکل نداده اند، متحد تر نشده اند، قوی تر نشده

اعتصاب یا

خانه نشین کردن معلمان...

کارگر است. مجامع عمومی معلمان مناسبترین ظرف در برگزیده توده معلم معترض است. تشکیل منظم مجامع عمومی معلمان، تعیین نمایندگان معلمان، پیگیری مطالبات و خواستههای معلمان، مرتبط کردن مجامع عمومی معلمان در هر بخش و منطقه ای، از اقدامات اولیه سازماندهی و شکل دادن به شورای سراسری معلمان است.

در اینجا باید بار دیگر به گرایش "چپ" در قبال این جریان نیز اشاره مختصری کرد. درخواست استعفای مسئولین کانون صنفی معلمان از جانب حزب موسوم به "کمونیست کارگری" یک سیاست راست و رفرمیستی و آغشته به توهم در قبال این گرایش دوم خردادی است. همانطور که مطالبه استعفای سران خانه کارگر مطالبه ای راست و رفرمیستی و توهم آمیز است. این گرایش را باید از سر راه توده های معلم و کارگر کنار زد. سازماندهی و شکل دادن به تشکل مستقل توده ای معلم تنها راه و در عین حال مستلزم کنار زدن این جریان است. از طرف دیگر سیاستی که کانون صنفی معلمان را همانند تشکل سندیکایی کارگران از جمله سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و یا سندیکای شرکت واحد میداند، علیرغم ظاهر "چپ" آن عملاً سیاستی راست و غیر کمونیستی است.

زمره های اعتصاب سراسری معلمان: ملزومات پیشروی

اقدام سه روزه "کانون صنفی معلمان" بدون واکنشی از جانب رژیم اسلامی پایان پذیرفته است. معلمان ناراضی اند. اعتراضشان به کج راه برده شده است. زمره های اعتصاب سراسری در صفوف معلمان شنیده میشود. معلمان رادیکال و سوسیالیست

خواهان سازماندهی چنین اعتراضی برای تحقق خواستههای خود هستند. ذکر نکاتی در این رابطه حائز اهمیت است.

۱- اعتصاب سراسری یک اعتراض خود انگیخته نیست. اقدامی سازمان یافته و آگاهانه در جهت تحقق اهداف اعلام شده و روشنی است. در بررسی شرایط و ملزومات پیروزی یک اعتصاب، در دوران اعتصاب و پس از اعتصاب نگریست. در نگرش پوپولیستی اعتصاب اقدامی در روز اعتراض است. گذشته ای ندارد. آینده ای هم ندارد. برای ما کمونیستهای کارگری اما اعتصاب دارای ابعاد و معنای وسیعتری است. هیچ اعتراض سراسری بدون وجود رهبری سراسری و شبکه ای از رهبران عملی نمیتواند به پیش برده شود. اعتراض را نمیتوان از راه دور کنترل و هدایت کرد. فضای سیاسی مسلماً متأثر از فاکتورهای متعددی از جمله میزان و حجم تبلیغات سیاسی است، اما اعتصاب اقدامی روی زمین داغ سیاسی است. وجود شبکه ای از رهبرای عملی محلی و سراسری شرط اساسی پیشروی و پیروزی هر اعتصابی است. دخالت در هر آکسیون کارگری در درجه اول قبل از آنکه دخالت از راه دور و ماهواره معنی دهد به معنی تأثیر گذاری بر سیاست و توان سازماندهی رهبران عملی و تقویت گرایش رادیکال و سوسیالیستی در این اعتراض است.

سیاست و ادبیات پوپولیستی تصویر ساده انگارانه از رهبری اعتراض اجتماعی توسط سازمانهای سیاسی چپ بدست میدهد. در این تصویر سازمان پوپولیستی شعارها و تاکتیک اعتراض را تعیین میکند، سیاست خود را مبنی بر پیشبرد آکسیون اعتراضی بیان میکند، و اعتراض با کنترل از راه دور و یا از طریق ماهواره و بطور غریبی

هدایت میشود. چنین سناریویی تنها بر روی کاغذ قابل اجرا و پیاده شدن است. سیاست پوپولیستی سیاستی معطوف به سازماندهی همه جانبه اعتراض نیست. هدفش تهیه "گزارش" و "خبر" برای سازمان مربوطه است. در این چهارچوب "خبرنگار کارگری" جایگزین "رهبران عملی کارگری" میشود. اما در دنیای واقعی سوخت و ساز و تحرک اعتراضی طبقه به نقش رهبران عملی کارگری گره خورده است.

کسانی که سرخ ماجرا را در دست دارند. به اعتراض سمت و سو میدهند. مطالبات را تعیین میکنند. موقعیت، توازن قوا، تاکتیک پیشروی و یا عقب نشینی را تعیین میکنند. برای پوپولیسم چنین مولفه هایی کاملاً بیگانه است. رهبری غیبی، از راه دور و یا ماهواره ای جایگزین رهبری عملی و محلی و سراسری میشود. این دنیای تخیلی را باید به عالم تخیلی و معوج پوپولیست ها واگذار کرد. اما سیاست کمونیسم کارگری از جنس دیگری است. واقعیت این است که هدایت مبارزه و اعتصاب بدون آژیتاتور علنی، بدون رهبران عملی و علنی کارگری ممکن نیست. اعتراض معلمان تنها در شرایطی میتواند بطور موفق به پیش برده شود که رهبران عملی معلمان، شبکه ای از معلمان که مورد اعتماد توده های معلم هستند، در راس این اعتراض قرار میگیرند. خود را در مقام رهبری اعتصاب قرار میدادند.

۲- مساله دیگر چگونگی مقابله با سیاست جریان حاکم بر "کانون صنفی معلمان" است. پیشبرد یک مبارزه موفق منوط به حاشیه ای کردن این گرایش در صفوف معلمان است. هدف این کانون تبدیل اعتراض بر حق معلمان به سکوی پرشی برای جریان ارتجاعی دوم خرداد است. این جریان میکوشد اعتراض معلمان را وجه المصالحه بند و بستهای جناحهای درون هیات حاکمه قرار دهد. خنثی کردن این

سیاست و نگرش یک وظیفه عمومی و دائمی شبکه و محافل رادیکال سوسیالیست معلمان است. معلمان رادیکال و سوسیالیست باید در راس اعتراض معلمان قرار بگیرند. باید در مقابل سیاستهای راست و سازشکارانه و ارتجاعی "کانون صنفی معلمان"، سیاستها و مطالبات روشن و رادیکال معلمان را قرار داد. توده معلم باید رهبری علنی و در محل خود را در جلوی صف اعتراضی ببینند.

۳- علاوه بر این پیشروی اعتراض معلمان منوط به جلب حمایت گسترده دانش آموزان و خانواده های آنها است. این مبارزه ای در عین حال بر سر سرنوشت زندگی معلمان و سیستم آموزشی در جامعه است. هر قدم بهبود زندگی و شرایط کار معلمان به معنای پیشروی جامعه در عقب راندن حکومت کثیف اسلامی است. دست مذهب و حکومت مذهبی را باید از زندگی مردم و سیستم آموزشی کوتاه کرد.

فراخوان ما به معلمان این است: کانون صنفی معلمان تشکل توده ای و مستقل شما نیست. نماینده واقعی شما نیست. انعکاس اراده آزاد و رادیکال شما نیست. بیانگر خواستههای عمیق انسانی و برحق شما نیست. ایجاد تشکل مستقل و توده ای معلمان در سراسر کشور گام اول هر مبارزه جدی است. مجامع عمومی خود را در گرماگرم اعتراضاتان شکل دهید. نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنید. شورای نمایندگان معلمان در هر منطقه و جغرافیایی را شکل دهید. تصمیم راجع به چگونگی پیشبرد اعتصاب باید توسط نمایندگان منتخب مجامع عمومی معلمان در هر سطح و منطقه ای اتخاذ شود. به هیچ مرجعی اجازه ندهید تصمیمات خود را جایگزین اراده مستقل و آزاد شما کنند. قدرت اعتصاب و اعتراض شما در تجمع و تشکل شماست. توطئه های دولت را درهم بشکنید. سیاستهای سازشکارانه "کانون صنفی معلمان" را خنثی کنید. نمایندگان خود قاطعانه دفاع کنید. یک رکن مبارزه

سه رکن سیاست

میرحسین موسوی در مضحکه انتخاباتی

علی جوادی

مضحکه انتخاباتی رژیم اسلامی وارد فاز جدیدی از تحرک خود شده است. بیشتر از دو ماه به زمان برگزاری این مراسم اسلامی باقی نمانده است. اکثریت دوم خردادها، چه حکومتی و چه خارج از حکومت، به دور قداره بند دوران استقرار رژیم اسلامی گرد آمده اند. در صفوف جناح راست تردیدها بیشتر است. احمدی نژاد کاندید است. اما اکثریت این باند را هنوز با خود ندارد. دوم خرداد برای افزایش شانس خود در "انتخابات" و تامین شرایط "پیروزی" خود نیازمند پیشروی در سه زمینه است: ۱- جلب توافق خامنه ای و مراکز از حاکمیت، ۲- بسیج و تحرک بخشیدن به نیروهای اجتماعی خود در سطح جامعه، ۳- مقابله با تقلب گسترده و یک طرفه به نفع جناح مقابل. نگاهی مختصر به هرکدام از این سه عرصه می اندازیم. محدودیتها و ناتوانیهای این جناح در پیشبرد این سیاستها کدام است؟

۱- از مساله جلب توافق خامنه ای و مراکز از حاکمیت رژیم اسلامی شروع میکنم. هیچ نیرویی در رژیم اسلامی بدون جلب توافق بخش قابل ملاحظه ای از مراکز قدرت در رژیم اسلامی نمیتواند در مقام کاندیدای یک جناح اصلی رژیم عرض اندام کند. حضور مجدد میرحسین موسوی در این عرصه به معنای پذیرش اولیه او در سطح باندهای اصلی شکل دهنده رژیم اسلامی و مشخصاً رهبر اوباش اسلامی است. میرحسین موسوی نماینده بخشی از تاریخ سیاه رژیم اسلامی است. نماینده خط امام در دوران خمینی است. تداوم خط دوم خرداد در دوران گنبدیگی اش است. موضع گیری خامنه ای در این چهارچوب علیرغم طرح مجدد سابقه رقابت باندهای رژیم اسلامی بر سر موقعیت و نقش موسوی نشاندهنده این واقعیت است. خامنه ای بطور ضمنی موافقت خودش را از حضور میرحسین موسوی در این مراسم اسلامی اعلام کرد. اما یک شرط این تأیید خامنه ای در عین حال اعلام کناره گیری خاتمی از کاندیداتوری بود. خاتمی برای این دوره رژیم اسلامی بیش از میرحسین موسوی دارای هزینه و ریسک است. شکنندگی بیش از حد رژیم اجازه نمایشات ریسکی را نمیدهد. از این رو خاتمی با تشخیص این مصلحت عمومی رژیم اسلامی عرصه را برای میرحسین موسوی هموار کرد. به اعتباری میرحسین موسوی محصول توافق بخشهای از جناح راست و بخشهای عمده جناح دوم خرداد است. سنتزی از جناحهای رژیم اسلامی است.

اما مطلوبیت میرحسین موسوی برای این دوره حاکمیت سیاه رژیم اسلامی چیست؟ واقعیت این است که موسوی فقط یک کاندید ساده رژیم اسلامی و جناحی از آن نیست. معین نیست. قالیباف نیست. محسن رضایی نیست. او فشرده سیاست یک دوره حیاتی از حاکمیت رژیم

اعتصاب یا خانه نشین کردن معلمان ...

برای تحقق خواستههای شما مقابله با تلاشهایی است که میکوشند شما را به کم قانع کنند. خواستهها و مطالبتان را به قوانین و لوايح رژیم اسلامی و یا "مصوبات مجلس" محدود کنند. چنین گرایشاتی مدافعین حقوق و مطالبات شما معلمان نیستند. پیشبرد موفق مبارزه شما در گرو حاشیه ای کردن این تلاشها و موانع و سازمان دادن به تشکل شورایی مستقل و توده ای معلمان است.*

۱- بخشهایی از این مقاله با استفاده از یادداشت دیگری تحت عنوان "کمونیسم کارگری و اعتراض معلمان" تهیه شده است.

اسلامی است. دوران قتل عامهای اوائل دهه شصت، دوران جنگ خونین و ارتجاعی ایران و عراق، و در یک کلام دوران تحکیم رژیم اسلامی در مقابله با اعتراضات گسترده کارگران و مردمی که هنوز تحرکشان به شکست کشیده نشده بود. از طرف دیگر میرحسین موسوی در فصل مشترک نیروی مرکز دو جناح رژیم اسلامی قرار دارد. رژیم اسلامی شکننده است. در مقابل مردمی قرار دارد که برای سرنگونی و نابودیش تلاش میکنند. نسلی از جامعه که تن به سنت و قوانین و زندگی تحت اسارت اسلام و حکومت اسلامی نمیدهد. در هراس از تحرک اعتراض کارگر و کمونیسم قرار دارند. به این شرایط موقعیت اقتصادی رژیم را اضافه کنید.

درآمد اقتصادی رژیم بعد از یک دوره رونق حاصل از افزایش قیمت نفت به شدت سقوط کرده است. یک احتمال قوی در تقابل کشمکشهای دو قطب تروریسم جهانی، افزایش دامنه تحریمها و محدود شدن عرضه کالاها در سطح جامعه است. میرحسین موسوی یکی از کارگزاران رژیم در چنین شرایط بحرانی است. بعلاوه تأکید او بر اسلامیت "تاب محمدی" به این کاندید ویژگی خاصی در مقابله با جامعه ای می بخشد که تره بری اسلام و سننهای ضد انسانی اش خرد نمیکند. این شرایط برای کلیت رژیم مستقل از منافع جناحی اش، در نبردهای آتی یک صف ممیزه است. میرحسین موسوی یک "خط امامی" به تمام معنا است.

۲- هیچ کدام از جناحهای رژیم اسلامی بدون بسیج نیروی مادی خود در جامعه نمیتوانند به اهداف خود نزدیک شوند. دوران "انتخابات" در عین حال دوران لشکر کشی اوباش اسلامی است. میرحسین موسوی نیز به تلاشهای خود در این حوزه دامن زده است. اهرم های اجتماعی دوم خرداد برای لشکر کشی در جامعه عبارتند از: انجمنهای اسلامی و دفتر تحکیم وحدت در دانشگاهها، خانه کارگر و شوراهای اسلامی در محیط های کارگری، و به درجه ای کانون

صنفي معلمان. ارائه سخنرانی افتتاحیه در کنگره خانه کارگر، حضور در جمع دانشجویان دانشگاههای مشهد و اعضای انجمن های اسلامی دانشگاهها و کلا جریان تحکیم وحدت، بیان گوشه هایی از این سیاست لشکر کشی است. موسوی در هر کدام از این اجلاسها تلاش کرده است گوشه ای از پلاتفرم سیاسی این جناح را برای بسیج سیاسی ارائه دهد. در کنگره خانه کارگر بر سیاست دولتگرایی اقتصادی تأکید کرده است. گوشه هایی از این پلاتفرم، حمایت از "صنایع داخلی"، محدود کردن واردات، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری و همچنین حمایت از تشکل های وابسته به دولتی است. در دانشگاه از دوران "شیرین" قدرت و سلطه انجمنهای اسلامی پس از قتل عام چپ و کمونیسم در دانشگاهها صحبت کرده است. و وقیحانه خود را "مدافع آزادی و مخالف تحجر" قلمداد کرده است. بطوریکه این جریانات اسلامی دانشجویی آنچنان به وجد آمده اند که در آخر با شعار "جمهوری اسلامی آزاد باید گردد" از ایشان استقبال کردند. (این شعار به طرز مضحکی کلیت سیاست این جناح را نمایندگی میکند)

۳- مساله تقلب جناحی و به زیان این جناح یک رکن دیگر کشمکش "انتخاباتی" است. انتخابات در رژیم اسلامی همواره با درجات زیادی از تقلب و رای سازی همراه بوده است. رژیم اسلامی در مقابله با مردمی که ذره ای مشروعیت برای حکومتش قائل نیستند و هم چنین در بیان چهره بین المللی خود به درجات زیادی میزان شرکت کنندگان در این مراسم اسلامی را افزایش داده است. هر دو جناح رژیم در این اقدام دینفعدند. دعوائی اگر هست، مساله سهم هر کدام از جناحها در جعل و تقلب و رای سازی است. تأکیدات نمایندگان این جناح و همچنین فشار رفسنجانی برای جلوگیری از تقلب به نفع جناح رقیب یک رکن دیگر تامین شرایط پیروزی این جناح است. جناح دوم خرداد برای اشغال پست دولت اسلامی خیز برداشته است.*

بحران در فولاد مبارکه

بنا به خبر دریافتی، وضعیت شرکت فولاد مبارکه بحرانی است و این شرکت با ظرفیت محدودی به فعالیتش ادامه میدهد. شرکت توکا بونن یکی از شرکتهای بزرگ پیمانکاری وابسته به توکا، فعلا ۴۵ نفر از کارگران خود را اخراج کرده است.

خطوط تولید شرکت فولاد مبارکه از واحد ۵۱ به بعد تقریباً متوقف شده است و بیشتر کارگران در معرض اخراج هستند. در حال حاضر کارخانه صرفاً با بخشی از تولید که شامل ریخته گری و فولادسازی تا مرحله تانکستال سازی فعال است. اما مرحله تولید آهن آلات از جمله ورق درحال توقف کامل است. تعداد زیادی از کارگران این شرکت در معرض اخراج و بیکاری هستند و نگرانی از بیکاری به فضای کارخانه حاکم است.

پیمانکاران و سرمایه داران برای بیکاری کارگران از توجیهات کلاسیک و جهانی بهره میجویند. میگویند بحران اقتصادی است و ویژه ایران هم نیست. باید وضعیت را درک کرد و شرایط سختی است. این در حالی است که در قلمرو سیاسی سران حکومت مرتباً ژست های توخالی میگیرند و میگویند بحران لطمه ای به ما وارد نکرده است. البته زمانی که بحران اقتصادی جهانی هم ابعاد ویرانگر خود را نشان نداده بود، بحران اقتصادی گلوی رژیم را میفشرد و بیکار سازی و اخراج با اتکا به قراردادی کردن کار و نفی هر نوع حقوق و بیمه برای کارگران وسیعاً وجود داشت. بحران جهانی اقتصادی به این اوضاع شدت داده است و توجیهات جدیدی برای تعرض به طبقه کارگر فراهم کرده است.

کارگران در ایران مانند کارگران در بقیه دنیا باید اعلام کنند که حاضر نیستند بار بحران سرمایه داران را بدوش بکشند. کارگر در دوره رونق و تولید سودهای سرشار سهم بیشتری نداشته تا در دوره رکود و بحران آن را پس بدهد. کارگران باید برای حقوق و بیمه بیکاری و تامین معیشت خود پای بفشارند و در اول مه بویژه علیه مصائب نظام ضد کارگر سرمایه داری صدایشان را بلند کنند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ۲۷ آوریل ۲۰۰۹

پیشروی اعتراض معلمان در گرو چیست؟

شما معلمان است. کارنامه تاکنونی کانون صنفی معلمان نشان داده است که این تشکل ظرف مناسب پیشبرد مبارزه شما نیست.

۲- گام اول در راه ایجاد تشکل شورایی معلمان که منعکس کننده خواست واقعی توده معلمان است، برگزاری مجامع عمومی معلمان در واحدهای آموزشی و مرتبط کردن این مجامع عمومی در هر منطقه و جغرافیایی در کشور است. تشکیل مجامع عمومی معلمان در زمان اعتراض مناسبترین فرصت برای شکل دادن به واحدهای شورای سراسری معلمان و همچنین در دست گرفتن رهبری و سازماندهی اعتراض سراسری شما معلمان است. بجای کانون صنفی معلمان، شورای واقعی نمایندگان معلمان باید در راس این اعتراضات قرار گیرد. تصمیم در مورد چگونگی پیشبرد این اعتراض و اشکال مبارزاتی و مدت زمان اعتراض اقدامی در حوزه اختیار و عمل تشکل واقعی معلمان است. نباید اجازه داد که بار دیگر کانون صنفی معلمان این اعتراض را قربانی اهداف جناحی رژیم اسلامی کند.

۳- مبارزه برای افزایش حقوق و مزایا و دستمزد مبارزه ای است که یک وجه دائم مبارزه طبقه کارگر است. سرنوشت مبارزه شما معلمان نیز به همبستگی طبقاتی میان معلمان و کارگران و سایر مزدبگیران گره خورده است. تداوم این مبارزه تا اول ماه مه و تبدیل این اعتراض به یک اعتراض سراسری و گسترده به مناسبت روز جهانی کارگر یک گام موثر در پیشبرد این مبارزه است. تلاش برای جلب همبستگی کارگران در این مبارزه از اهمیتی حیاتی برخوردار است.

۴- مبارزه شما در عین حال مبارزه ای برای یک سیستم آموزش و پرورش سکولار و پیشرو است. در این مبارزه دانش آموزان و دانشجویان، خانواده های و توده های مردم عمیقاً ذینفع هستند. این نیروی عظیم اجتماعی را باید خطاب قرار داد و به این مبارزه دعوت کرد. پیشروی شما در عین حال پیشروی مردم آزادیخواه برای یک آموزش پرورش سکولار و کوتاه کردن دست مذهب از آموزش و پرورش است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از مطالبات برحق شما قاطعانه دفاع میکند. حزب، طبقه کارگر و تمامی مردم آزادیخواه و دانشجویان و دانش آموزان را به حمایت و همبستگی از این مبارزه فرامیخواند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۶ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ۲۷ آوریل ۲۰۰۹

کانون صنفی معلمان پس از لغو اعتراض معلمان در اسفند سال گذشته بار دیگر فراخوان به یک اعتراض سه روزه از ششم تا هشتم اردیبهشت ماه داده است. مسئولین این کانون قبلاً اعلام کرده بودند که بمنظور "به محک گذاشتن حسن نیت رئیس جمهور!" اعتراض معلمان را به تعویق می اندازند. اکنون ادعا میکنند که با "نزدیک شدن زمان انتخابات احساس نگرانی میکنیم که قانون خدمات کشوری تحت تاثیر فضای انتخابات با اساسا به فراموشی سپرده شود و یا به آن شکلی که وعده داده شده، عملی نشود."

کانون صنفی معلمان یک تشکل دوم خردادی و وابسته به جناحی از حاکمیت سپاه رژیم اسلامی است. هدف این کانون نه پیشبرد موفق اعتراضات و خواستههای برحق توده معلمان بلکه کنترل و مهار این اعتراض و قرار دادن آن در مجرای جدال جناحیهای رژیم اسلامی است. همانطور که اسفند ماه اعتراض معلمان را قربانی سازش و بند و بست با دولت احمدی نژاد کردند اکنون نیز تلاش میکنند با محدود و کنترل کردن فضای اعتراضی در میان معلمان و انداختن آن در مجاری محدود و غیر موثر مانع شکل گیری یک اقدام رادیکال اعتراضی برای تحقق مطالبات معلمان شوند.

معلمان رادیکال و سوسیالیست خواهان لغو قراردادهای حق التدریسی، رفع تبعیض میان بخشهای مختلف معلمان، افزایش دستمزدها به سطح یک زندگی انسانی، برخورداری از بیمه بازنشستگی و همچنین خواستههای روشنی در زمینه کوتاه کردن دست مذهب از آموزش و پرورش و همچنین سیستم آپارتاید جنسی هستند. پیشبرد این اهداف منوط به شکل گیری و سازمانیابی تشکل مستقل توده ای معلمان و دست زدن به یک مبارزه جدی و سازمانیافته است.

معلمان آزادیخواه پیروزی شما در این مبارزه در گرو اقدامات زیر است:

۱- یک رکن مبارزه برای تحقق خواستههای شما مقابله با تلاشهایی است که میکوشند شما را به کم قانع کنند. خواستها و مطالبات را به قوانین و لوایح رژیم اسلامی و یا "مصوبات مجلس" محدود کنند. چنین گرایشاتی مدافعین واقعی حقوق و مطالبات شما معلمان نیستند. سیاست اصلاح طلبان حکومتی، دوم خردادی و "مشارکتی" ها، را نمایندگی میکنند. پیشبرد موفق مبارزه شما در گرو حاشیه ای کردن این تلاشها و سازمان دادن به تشکل مستقل و توده ای خود

سایپا پرس

دستمزدهای پرداخت نشده کارگران!

بنا به خبر دریافتی، ۶۰۰ نفر کارگران شرکت سایپا پرس تا روز پنج فروردین ماه هنوز موفق به دریافت دستمزدها و مبالغ ناچیز اضافه کاری مربوط به فروردین ماه خود نشده اند. قبلاً هر ماه دستمزد این کارگران حداقل به موقع پرداخت میشد. فشارهای روز افزون مالی و فقر مزمن، چرخاندن همان زندگی بخور و نمیر را برای کارگران و خانواده های محرومشان غیر ممکن کرده است. به دنبال اعتراض و پیگیریهای کارگران معترض، عوامل کارفرما وعده امروز و فردا می دهند اما از واریز کردن حقوق کارگران هنوز خبری نیست!

لازم به یاد آوریست که دستمزدهای فروردین ماه کارگران شرکت مالی بل، که از زیر مجموعه های شرکت سایپا در زمینه تولید قطعات ریخته گریست، نیز تاکنون پرداخت نشده است. در این شرکت نیز عوامل کارفرما در مقابل اعتراض و پیگیری کارگران برای نقد کردن دستمزد هایشان وعده های پوچ و پا در هوا میدهند و با امروز و فردا کردن کارگران را سر میدوانند.

سایپا پرس در جاده مخصوص کرج واقع است و از مجموعه های پرسی مهم شرکت سایپا است. در این شرکت بیش از ۶۰۰ کارگر قراردادی سفید امضا و یک طرفه، با دستمزدهای هنوز ۲۱۹ هزار تومانی، با شیفتهای فشرده کاری سنگین و پر خطر برای سرمایه داران سود تولید میکنند.

پرداخت نکردن دستمزد کارگران توسط کارفرمایان یک گروکشی قلدرمنشانه و سیاستی آگاهانه برای تحمیل فقر گسترده تر به طبقه کارگر است. تحمیل گرسنگی و فقر و شمشیر اخراج و بیکاری ابزار به زانو درآوردن طبقه کارگر توسط سرمایه داران و سیاستی برای تشدید استثمار است. این سیاست جنایتکارانه تنها در مورد کارگران و مزدگیران صدق میکند و مشمول نهادها و دولت سرمایه داری نمیشود. کارگر اگر کرایه منزل و رسید آب و برق و گاز و غیره را پرداخت نکند، نه فقط زندگی اش را توی کوچه میریزند بلکه سر و کله قلدرهای انتظامی و ماموران سرمایه سبز میشود و سر و کار فرد با دولت و قانون و دادگاه است. اما سرمایه داران در مورد پرداخت حقوق کارگران از قانون جنگل تبعیت میکنند و وحوش سرکوبگر و دولت و قانون تماماً پشت آنهاست. کارگران نیز راهی و سلاحی جز توقف تولید و اعتصابات قدرتمند برای نقد کردن حقوق شان ندارند. کارگران باید رسماً اعلام کنند که چون حقوق دریافت نکرده اند قادر به پرداخت هزینه های جاری نیستند و طرف حساب نهادها و شرکت مسکن و صاحبخانه کارفرماها و دولت شان است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ۲۷ آوریل ۲۰۰۹

تلاش دوباره حکومت اسلامی

برای تعطیلی سردخانه و کشتارگاه میدان بهمن تهران!

اردیبهشت از ورود کامیونهای حامل بار جلوگیری خواهد شد و همچنین این شرکتها تا پایان اردیبهشت موظفند سردخانه را تخلیه نمایند. در اقدام دیگری تابلوی سردخانه و کشتارگاه را پایین کشیده اند. علاوه بر این در روز چهارشنبه ۱۱ نفر از کل ۱۰۰ نفر کارگر قراردادی را که طرفشان شهرداری تهران است با زور و تهدید به مراکز و میادین تره بار تهران منتقل نموده اند. انتقالی که موجب کاهش دستمزدهای این کارگران و افزایش ساعت کارشان خواهد شد. ظاهراً قرار است طی روزهای آینده مابقی این کارگران را به همین روش به میادین تره بار منتقل نمایند. از طرف دیگر با تعطیلی این مرکز حدود ۵۰۰۰ نفر کارگر روزمزد کارشان را از دست داده و هرچه بیشتر از زندگی ساقط خواهند شد. کارگران بشدت خشمگین و معترض اند و فضای موجود ملتهب است.

صفایی که از انفجار خشم و اعتراض کارگران بسیار ترسیده است، مرتباً به کارگران وعده های پوچ و دروغ تحویل میدهد و میگوید "به فکر شما هستیم!" اما به گفته یکی از کارگران: آری، این آقایان حتماً به فکر جیبها و حسابهای بانکیشان هستند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ۲۷ آوریل ۲۰۰۹

بنا به خبر دریافتی، سردخانه و کشتارگاه میدان بهمن تهران همچنان صحنه جدال حکومت اسلامی سرمایه داران برای تعطیلی این مرکز از یکطرف و مقاومت و مبارزه کارگران برای جلوگیری از اخراج و بیکاری از طرف دیگر است.

عوامل حکومت اسلامی در شهرداری تهران از جمله محسن قالیباف پاسدار و آدم کش حرفه ای، بخاطر گسترش دزدیهای کلان باندهای مافیایی در شهرداری تهران، از چند ماه پیش تاکنون در صدد تعطیلی سردخانه و کشتارگاه میدان بهمن هستند و در اولین روزهای سال جدید چند روزی این مرکز را به تعطیلی کشیدند. اما به دنبال اعتراضات کارگران و بخصوص تجمع کوبنده روز سه شنبه یازدهم فروردین ماه، مسئولین کشتارگاه و شهرداری تهران موقتاً عقب نشینی کردند و بلافاصله یکروز بعد یعنی روز چهارشنبه دوازدهم فروردین مجدداً درب کشتارگاه به روی کامیونهای حامل بار باز شد و کارگران به سر کارهایشان بازگشتند.

اما در چند روز گذشته تحرک و تلاش دوباره شهرداری و عوامل حکومتی برای تعطیلی سردخانه و اخراج کارگران مجدداً شروع شده است. در چند روز گذشته صفایی مسئول کشتارگاه طی بخشنامه ای به شرکتهای پیمانکاری مستقر در محل اعلام نموده که از پنجم

کارگر زندانی آزاد باید گردد!

در مراسمهای اول مه علیه محکومیت

اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه و

“محرومیت آنها از فعالیت کارگری” اعتراض

کنید! کلیه احکام ضد کارگری و هر نوع

تعقیب و آزار فعالین کارگری باید فوراً لغو

شود. کلیه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند!

گزارشی از اعتراض

علیه حضور جمهوری اسلامی در مالمو

ماموران سفارت رژیم اسلامی بعد از سفر به گوتنبرگ در ۱۷ و ۱۸ مارس، طی اطلاعیه ای اعلام کردند که روزهای ۲۳ و ۲۴ آوریل به مالمو خواهند رفت. حزب اتحاد کمونیسم کارگری و جریانات سیاسی دیگر پیشتر فراخوان اعتراض به حضور مزدوران رژیم در مالمو داده بودند.

روز ۲۳ آپریل رأس ساعت ۸ صبح ده ها تن از نمایندگان احزاب، سازمانها، نهادها و فعالین اپوزیسیون رژیم اسلامی در خیابانی که "خانه مردم کاترینه لوند" در آن واقع است جمع شدند. پلیس سوئد محل را در محاصره خود گرفته بود تا معترضین نتوانند به محل نزدیک شوند. پلاکاردها و باندرولهای افشاگرانه از جمله "Wanted" توجه ها را بخود جلب می کرد. شعار مرگ بر جمهوری اسلامی بدون انقطاع تکرار میشد و نمایندگان احزاب و سازمانهای اپوزیسیون رژیم اسلامی در سخنرانیهای خود به گوشه هایی از جنایات رژیم اسلامی اشاره میکردند. خبر اولین روز اعتراض علیه حضور علنی عوامل رژیم در مالمو، بلافاصله در بزرگترین روزنامه های سوئد انعکاس وسیع یافت و تلویزیون کانال 4 سوئد نیز این خبر را پخش کرد. رسانه ها گفتگوهای متعددی با معترضین در محل از جمله شهلا نوری انجام دادند. عکس العمل بموقع جریانات سیاسی اپوزیسیون یکبار دیگر توجه ها را به مقابله با جمهوری اسلامی جلب کرد.

اقدام تحریک آمیز پلیس مالمو و دستگیری تعدادی از معترضین در لحظه حضور و فرار عوامل رژیم با اعتراض وسیع معترضین روبرو شد. عوامل رژیم اسلامی

اینبار هم با وجود حضور پلیس و دیوارهای حفاظتی جرأت نکردند که از در اصلی ساختمان وارد شوند و همچون زمان حضور در شهرگوتنبرگ سوئد، مجبور به فرار مقتضاحانه از درب اضطراری شدند.

نکته ای که بیش از پیش روشن شد این بود که برخلاف ادعای سفارت رژیم "خدمات کنسولی" ای در کار نبود. ایرانیان مقیم مالمو به این "کنسولگری سیار" مراجعه نکردند. این عنوان پوششی قلابی است و هدف واقعی سازماندهی فعالیتهای جاسوسی رژیم علیه مخالفین نهفته است. طی ۱۲ ساعت تظاهرات - یعنی از اول صبح تا ۹ شب - مجموعاً ۲۵ نفر به محل مراجعه کردند. در میان این مراجعه کنندگان اکثریت شان متولدین عراق بودند که طبق گفته خودشان، گویا تصمیم دارند با کمک رژیم اسلامی و از طریق ایران به عراق مسافرت کنند.

هدف واقعی رژیم اینست که یواش یواش در شهرهای اروپا بساطش را پهن کند و موقعیتش را تغییر دهد. "خدمات کنسولی" اسم رمز این تلاش سیاسی است. همینطور جمهوری اسلامی میخواهد با دور جدیدی از فعالیت علنی در خارج کشور، بویژه در آستانه مضحکه "انتخابات"، مقدمات گذاشتن صندوقهای "رای" را فراهم کند. سیاست ما و شما ایرانیان آزادیخواه اینست که این تحركات جدید رژیم اسلامی را در نطفه خفه کنیم.

گوتنبرگ، مالمو، استکهلم و اماکن عمومی آن جای مزدوران حکومت اسلامی نیست. امروز باید پاسخ این تحركات رژیم را بدهیم و فردا باید سفارتخانه های جمهوری اسلامی را ببندیم.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری - واحد سوئد

۲۳ آوریل ۲۰۰۹

آدرس تماس با مسئولین حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)

Ali_Javadi@yahoo.com Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی

(علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

AzarMajedi@yahoo.com siavash_d@yahoo.com

کمیته سازمانده (علی جوادی، نسرین رمضانعلی)

nasrin_ramzanali@yahoo.com

مسئول خارج کشور (آذر ماجدی)

AzarMajedi@yahoo.com

مسئول سایت و آی تی حزب (مجید پستچی)

x_magid@yahoo.com

دبیرخانه (شراره نوری)

markazi.wupi@gmail.com

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank - N. America

Routing Number : 121 000 248

Account Number: 36 48 46 88 52

مجمع عمومی

ظرف اعتراض مستقیم و مستمر توده کارگران است. کارگران در اعتراضات جاری به سنت مجمع عمومی متکی شوید. جنبش مجمع عمومی را گسترش دهید!

کارگران وطن ندارند!

زنده باد

انترناسیونالیسم کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!